

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مجموعه قوانین و مقررات خانواده



تدوین:

مصطفی افشاری - رضا زنده گل

(وکالی پایه یک دادگستری)

انتشارات چتر دانش

عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام
	.Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه قوانین و مقررات خانواده/ تدوین مصطفی افشاری، رضا زنده‌گل.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۱ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۴۳-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: چاپ قبلی: چتر دانش، ۱۳۹۴. (۳۱۷ص.)
موضوع	: حقوق خانواده -- ایران
موضوع	: Domestic relations -- Iran
موضوع	: زناشویی -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	: Marriage law -- Iran
شناسه افزوده	: افشاری، مصطفی، ۱۳۶۸ -، گردآورنده
شناسه افزوده	: زنده‌گل، رضا، ۱۳۶۷ -، گردآورنده
رده بندی کنگره	: KMH۵۳۴
رده بندی دیویی	: ۳۴۶/۵۵۰ ۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۴۶۷۷۰

نام کتاب	: مجموعه قوانین و مقررات خانواده
ناشر	: چتر دانش
تدوین	: مصطفی افشاری- رضا زنده‌گل
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۸
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۴۳-۵
قیمت	: ۱۵۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

## فهرست

۸.....	قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱.....
۸.....	فصل اول: دادگاه خانواده.....
۲۰.....	فصل دوم: مراکز مشاوره خانوادگی.....
۲۲.....	فصل سوم: ازدواج.....
۲۴.....	فصل چهارم: طلاق.....
۳۴.....	فصل پنجم: حضانت و نگهداری اطفال و نفقه.....
۳۸.....	فصل ششم: حقوق وظیفه و مستمری.....
۳۹.....	فصل هفتم: مقررات کیفری.....
۴۳.....	آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۳.....
۴۳.....	فصل اول: دادگاه خانواده.....
۴۳.....	مبحث اول: کلیات.....
۴۴.....	مبحث دوم: ارائه گواهی پزشکی توسط زوجین.....
۴۵.....	مبحث سوم: طلاق توافقی.....
۴۶.....	مبحث چهارم: داورى.....
۴۷.....	مبحث پنجم: حقوق زوجه.....
۴۷.....	مبحث ششم: مدت اعتبار حکم طلاق و گواهی عدم امکان سازش.....
۴۸.....	مبحث هفتم: حضانت و نگهداری اطفال.....
۴۸.....	مبحث هشتم: حقوق وظیفه و مستمری.....
۴۹.....	مبحث نهم: مقررات کیفری.....
۵۰.....	فصل دوم: مراکز مشاوره خانواده.....
۵۰.....	مبحث اول: اهداف و تشکیلات.....
۵۱.....	مبحث دوم: واحد مشاوره خانواده استانها.....
۵۲.....	مبحث سوم: شرایط اخذ مجوز تأسیس مرکز مشاوره.....
۵۴.....	مبحث چهارم: اتیان سوگند.....
۵۴.....	مبحث پنجم: نحوه صدور و اعتبار مجوز ایجاد مرکز مشاوره خانواده.....
۵۵.....	مبحث ششم: چگونگی تعیین تعرفه خدمت مراکز مشاوره.....
۵۵.....	مبحث هفتم: نحوه ارائه خدمات مشاوره‌ای.....
۵۵.....	مبحث هشتم: تخلفات و مجازاتهای انتظامی.....
۵۶.....	مبحث نهم: سایر موارد.....

فصل سوم: ثبت ازدواج و طلاق و وقایع مربوط به آن.....	۵۷
فصل چهارم: نحوه ملاقات والدین با طفل.....	۵۹
قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳.....	۶۱
آیین نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده مصوب ۱۳۵۴...۷۳	۷۳
قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده مصوب ۱۳۹۲.....	۷۴
قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲.....	۷۵
آیین نامه اجرایی قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۳.....	۷۶
فصل اول: تعاریف و کلیات.....	۷۶
فصل دوم: شرایط اهدا و دریافت جنین.....	۷۶
فصل سوم: تکالیف و وظایف مراکز مجاز درمان ناباروری.....	۷۷
فصل چهارم: شرایط لازم جهت دریافت، نگهداری و انتقال جنین.....	۷۷
قانون راجع به رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳.....	۷۹
آیین نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیر ایرانی مصوب ۱۳۴۵...۸۰	۸۰
قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵.....	۸۲
نحوه محاسبه مهریه وجه رایج به نرخ روز و دیون و شاخص ماهانه برای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک مورخ ۱۳۸۹.....	۸۳
از قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ با اصلاحات بعدی.....	۸۵
مبحث چهارم: در میراث زوج و زوجه.....	۸۵
جلد دوم: در اشخاص.....	۸۹
کتاب اول: در کلیات.....	۸۹
کتاب دوم: در تابعیت.....	۹۳
کتاب سوم: در اسناد سجل احوال.....	۱۰۲
کتاب چهارم: در اقامتگاه.....	۱۰۴
کتاب پنجم: در غایب مفقود الاثر.....	۱۰۵
کتاب ششم: در قرابت.....	۱۱۰
کتاب هفتم: در نکاح و طلاق.....	۱۱۱
باب اول: در نکاح.....	۱۱۱
فصل اول: در خواستگاری.....	۱۱۱

فصل دوم: قابلیت صحتی برای ازدواج	۱۱۳
فصل سوم: در موانع نکاح	۱۱۶
فصل چهارم: شرایط صحت نکاح	۱۲۰
فصل پنجم: وکالت در نکاح	۱۲۱
فصل ششم: در نکاح منقطع	۱۲۱
فصل هفتم: در مهر	۱۲۲
قانون استفساریه تبصره ذیل ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ مصوب ۱۳۸۴	۱۳۲
فصل هشتم: در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر	۱۳۶
باب دوم: در انحلال عقد نکاح	۱۵۱
فصل اول: در مورد امکان فسخ نکاح	۱۵۱
فصل دوم: در طلاق	۱۶۰
مبحث اول: در کلیات	۱۶۰
مبحث دوم: در اقسام طلاق	۱۶۳
مبحث سوم: در عده	۱۶۷
کتاب هشتم: در اولاد	۱۶۸
باب دوم: در نگهداری و تربیت اطفال	۱۷۱
باب سوم: در ولایت قهری پدر و جد پدری	۱۷۹
کتاب نهم: در خانواده	۱۸۶
کتاب دهم: در حجر و قیمومت	۱۹۱
فصل دوم: در موارد نصب قیم و ترتیب آن	۱۹۴
فصل سوم: در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن نظارت مدعی العموم	در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید.
فصل چهارم: در موارد عزل قیم	۲۰۳
فصل پنجم: در خروج از تحت قیمومت	۲۰۴
<b>قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب</b>	
<b>۱۳۹۲.....۲۰۵</b>	
<b>آیین نامه اجرایی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و</b>	
<b>بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲.....۲۱۴</b>	
<b>بند «ب» تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱.....۲۱۹</b>	

قانون منع ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه مصوب ۱۳۴۵.....	۲۲۰
آیین‌نامه زناشویی بانوان با اتباع بیگانه غیرایرانی مصوب ۱۳۴۵ هیأت وزیران.....	۲۲۱
آیین‌نامه ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی آواره (دارندگان کارت هویت ویژه اتباع خارجی) مصوب ۱۳۸۱.....	۲۲۳
قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶.....	۲۲۴
قانون استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی (مصوب ۱۳۷۶)	۲۲۵
مصوب ۱۳۸۴.....	
آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۷.....	۲۲۶
قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲.....	۲۲۸
قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۰.....	۲۲۹
از قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.....	۲۳۰
قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴.....	۲۳۱
نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰.....	۲۳۲
نظامنامه مربوط به انتخاب سران دفاتر ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۸۷.....	۲۳۶
قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱.....	۲۳۹
قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی مصوب ۱۳۷۴.....	۲۴۲
قانون اعتبار گواهی بنیاد شهید انقلاب اسلامی در خصوص صدور حکم موت فرضی غایبان مفقودالاثراثر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در محاکم صالح مصوب ۱۳۷۶.....	۲۴۵
قانون واگذاری قیمومت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور تا زمان تعیین قیم توسط دادگاه صالح مصوب ۱۳۷۶.....	۲۴۶
قانون تسهیل ازدواج جوانان مصوب ۱۳۸۴.....	۲۴۷
قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده مصوب ۱۳۹۲.....	۲۵۱

## قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱

### فصل اول: دادگاه خانواده

**ماده ۱-** به منظور رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی، قوه قضائیه موظف است ظرف سه سال از تاریخ تصویب این قانون در کلیه حوزه‌های قضائی شهرستان به تعداد کافی شعبه دادگاه خانواده تشکیل دهد. تشکیل این دادگاه در حوزه‌های قضائی بخش به تناسب امکانات به تشخیص رئیس قوه قضائیه موکول است.<sup>۱</sup>

**تبصره ۱-** از زمان اجرای این قانون در حوزه قضائی شهرستان‌هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است تا زمان تشکیل آن، دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کند.<sup>۲</sup>

۱- نظریه شماره ۷/۳۳۸-۱۳۹۲/۲/۲۴، ح.ق. اولاً- دادگاه‌های خانواده موضوع ماده یک قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ هنوز تشکیل نشده است و دادگاه‌های خانواده کنونی که شعبی از دادگاه‌های عمومی حقوقی هستند و براساس قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل بیست و یکم (۲۱) قانون اساسی مصوب ۱۳۶۵/۵/۸ ایجاد شده‌اند به موجب بند ۱۰ ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱/۱۲/۱ به تدریج منحل خواهند شد، بنابراین دادگاه‌های خانواده که براساس قانون جدید ایجاد می‌شود شعبی از دادگاه‌های عمومی نبوده و مستقلاً تشکیل می‌شود و تشکیل آن پس از تصویب آئین‌نامه اجرایی قانون و پیش‌بینی تشکیلات مربوط توسط ریاست محترم قوه قضائیه امکان پذیر است. ثانیاً- پس از تشکیل دادگاه‌های خانواده موضوع ماده ۱ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱) به نظریه رسد گرچه صدر ماده ۲ تشکیل این دادگاه را مستلزم حضور قاضی مشاور زن دانسته است اما تبصره این ماده استثنایی بر متن می‌باشد که براساس آن ظرف ۵ سال قوه قضائیه باید قاضی مشاور زن را برای کلیه دادگاه‌های خانواده تأمین کند و در ادامه این تبصره مقرر شده است «در این مدت می‌تواند از قاضی مشاور مرد که واجد شرایط تصدی دادگاه خانواده باشد استفاده کند» به کاربردن کلمه «می‌تواند» حاکی از اختیار قوه قضائیه است بنابراین مادام که قاضی مشاور زن (ظرف ۵ سال) به تعداد کافی تأمین نشده است، قوه قضائیه مکلف نیست الزاماً از قاضی مشاور مرد استفاده نماید بلکه قانونگذار با آگاهی از مشکلات قوه قضائیه در تأمین قاضی مشاور مرد، این امر را الزامی ننموده است، در نتیجه در طول این ۵ سال امکان تشکیل دادگاه‌های خانواده بدون قاضی مشاور زن و مرد وجود خواهد داشت.

۲- رأی وحدت رویه شماره ۷۴۱-۱۳۹۴/۳/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: نظر به اینکه تبصره ۱ ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مقرر داشته: «در حوزه قضائی شهرستان‌هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کند.» و با عنایت به اینکه در ترکیب دادگاه‌های عمومی حقوقی با توجه به بند الف ماده ۱۴ (اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مشاور پیش‌بینی نشده است، بنابراین در مواردی که این دادگاه‌ها به علت عدم تشکیل دادگاه‌های خانواده به امور و دعاوی



**تبصره ۲-** در حوزه قضائی بخش‌هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به کلیه امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کند، مگر دعاوی راجع به اصل نکاح و انحلال آن که در دادگاه خانواده نزدیک‌ترین حوزه قضائی رسیدگی می‌شود.<sup>۱</sup>

خانوادگی رسیدگی می‌کنند حضور قاضی مشاور زن در دادگاه قانوناً ضرورت ندارد، بر این اساس رأی شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

**نظریه ۷/۹۲/۱۹۲۷-۱۰/۹۲/۱۰/۷ ح.ق:** با توجه به حذف تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۷۳ به موجب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب با اصلاحات و الحاقات آن مصوب ۸۱/۸/۱۲ و با عنایت به تبصره ۱ ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱ از زمان اجرای قانون اخیرالذکر در حوزه قضایی شهرستان‌هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است تا زمان تشکیل آن، دادگاه‌های عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات قانون مذکور صلاحیت رسیدگی به دعاوی موضوع ماده ۴ قانون موضوع از جمله دعاوی اصل نکاح و اصل طلاق را بدون نیاز به داشتن ابلاغ ویژه و اجازه مخصوص از ناحیه ریاست محترم قوه قضائیه دارند.

**نظریه ۷/۹۲/۷۱۸-۷/۹۲/۳/۲۸ ح.ق:** بر اساس تبصره ۱ ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، در حوزه قضایی شهرستان‌هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است تا زمان تشکیل آن، دادگاه‌های عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه، صلاحیت رسیدگی به دعاوی موضوع ماده ۴ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ را با رعایت سایر مواد و مقررات این قانون دارند. بنابراین با توجه به ماده ۲۵ قانون مذکور، در صورت وجود مراکز مشاوره خانواده موضوع این ماده، پرونده‌های طلاق توافقی به مرجع مزبور ارجاع می‌شود و برابر تبصره ماده ۱۶ همین قانون در مناطقی که مراکز مشاوره خانواده وابسته به سازمان بهزیستی وجود دارد دادگاه‌ها می‌توانند از ظرفیت این مراکز نیز استفاده کنند، ولی با عنایت به ماده ۲۷ قانون یاد شده در طلاق توافقی ارجاع امر به داوری منتفی است.

**۱- نظریه ۷/۹۲/۶۴۶-۱۲/۹۲/۴/۱۷ ح.ق:** به موجب تبصره ۲ ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: «در حوزه قضایی بخش‌هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به کلیه امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کند مگر دعاوی راجع به اصل نکاح و انحلال آن که در دادگاه خانواده نزدیک‌ترین حوزه قضایی رسیدگی می‌شود»، نظر به اینکه هنوز دادگاه خانواده موضوع قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ تشکیل نشده است، نزدیک‌ترین دادگاه عمومی حقوقی، صلاحیت رسیدگی به دعاوی راجع به اصل نکاح و اصل انحلال نکاح را دارد.

**نظریه ۷/۹۲/۶۲۰-۹۲/۴/۸ ح.ق:** با توجه به عبارت مندرج در قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ مبنی بر: «... مگر دعاوی راجع به اصل نکاح و انحلال آن که در دادگاه خانواده نزدیک‌ترین حوزه قضایی رسیدگی می‌شود»، کلمه «اصل» علاوه بر «نکاح» ناظر بر «انحلال نکاح» اعم از دائم و موقت نیز می‌باشد که به قرینه لفظی از تکرار مجدد آن خودداری شده است. توجه به سابقه قانونگذاری در این خصوص نیز مؤید مراتب مذکور است؛ و منظور از دعاوی راجع به «اصل نکاح و اصل طلاق»، اختلاف در وجود یا عدم وجود علقه زوجیت و تحقق یا عدم تحقق ایقاع طلاق یا فسخ نکاحی است که قبلاً واقع شده است.

**نظریه ۷/۹۲/۲۵۲-۹۲/۲/۱۴ ح.ق:** کلمه «اصل» مذکور در تبصره ۲ ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ با توجه به سابقه قانونگذاری علاوه بر نکاح، ناظر بر اصل انحلال نکاح نیز می‌باشد. منظور از دعاوی

**ماده ۲-** دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می‌گردد. قاضی مشاور باید ظرف سه روز از ختم دادرسی به طور مکتوب و مستدل در مورد موضوع دعوی اظهارنظر و مراتب را در پرونده درج کند. قاضی انشاء کننده رأی باید در دادنامه به نظر قاضی مشاور اشاره و چنانچه با نظر وی مخالف باشد با ذکر دلیل نظریه وی را رد کند.

**تبصره-** قوه قضائیه موظف است حداکثر ظرف پنج سال به تأمین قاضی مشاور زن برای کلیه دادگاه‌های خانواده اقدام کند و در این مدت می‌تواند از قاضی مشاور مرد که واجد شرایط تصدی دادگاه خانواده باشد استفاده کند.<sup>۱</sup>

**ماده ۳-** قضاات دادگاه خانواده باید متأهل و دارای حداقل چهار سال سابقه خدمت قضائی باشند.

**ماده ۴-** رسیدگی به امور و دعاوی زیر در صلاحیت دادگاه خانواده است:

- ۱- نامزدی و خسارات ناشی از برهم زدن آن
- ۲- نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح
- ۳- شروط ضمن عقد نکاح ۴۴
- ۴- ازدواج مجدد
- ۵- جهیزیه

اصل انحلال نکاح، دعاوی مربوط به صحت و یا بطلان طلاق یا فسخ نکاحی است که قبلاً واقع شده است. بنا به مراتب فوق در حوزه قضایی بخش هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات قانون صدرالاشاره به کلیه امور و دعاوی خانوادگی از جمله طلاق یک طرفه مطروحه از ناحیه زوجه و یا از ناحیه زوج و هم چنین طلاق توافقی رسیدگی می‌کند مگر دعاوی راجع به اصل نکاح و اصل انحلال آن اعم از اصل طلاق و فسخ نکاح.

**نظریه شماره ۷/۹۲/۴۷۷ - ۱۳۹۲/۲/۱۳ ح.ق:** آنچه در تبصره ۲ ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ از صلاحیت رسیدگی دادگاههای عمومی مستقر در بخشها مستثنی شده، دعاوی راجع به اصل نکاح و انحلال آن است که شامل اختلاف در وجود و عدم علقه زوجیت است مثلاً چنانچه نکاح مسلم بوده و طلاق رجعی واقع شود ولی در اینکه « رجوع زوج با شرایط قانونی صورت گرفته یا نه » محل اختلاف زوجین باشد، این اختلاف مربوط به وجود و عدم علقه زوجیت است و دعوی راجع به اصل نکاح و انحلال آن می‌باشد بنابراین در فرضی که نکاح مسلم است رسیدگی به درخواست طلاق توسط دادگاههای مستقر در بخش ها منع قانونی ندارد.

**۱- نظریه ۷/۹۲/۲۰۵۰ - ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ ح.ق:** لزوم حضور قاضی زن مشاور در ماده ۲ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ مخصوص دادگاه خانواده است. در دادگاه تجدیدنظر که به تجدیدنظرخواهی از آراء دادگاه خانواده رسیدگی می‌کند حضور قاضی مشاور زن پیش‌بینی نشده است.

- ۶- مهریه
- ۷- نفقه زوجه و اجرت المثل ایام زوجیت
- ۸- تمکین و نشوز
- ۹- طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن
- ۱۰- حضانت و ملاقات طفل<sup>۱</sup>
- ۱۱- نسب
- ۱۲- رشد، حجر و رفع آن
- ۱۳- ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران و وصایت در امور مربوط به آنان
- ۱۴- نفقه اقارب
- ۱۵- امور راجع به غایب مفقود الاثر
- ۱۶- سرپرستی کودکان بی سرپرست
- ۱۷- اهدای جنین
- ۱۸- تغییر جنسیت<sup>۲</sup>

۱- نظریه ۷/۹۳/۴۵۷-۱۹۳۲/۳۰.ح.ق: با توجه به فرض استعلام، مبنی بر افاغنی بودن زوجین، اولاً- لازم به ذکر است که «حضانت» جزء احوال شخصیه نمی‌باشد. ثانیاً- با رسیدن طفل به سن بلوغ از تحت حضانت خارج می‌شود و با هر کدام از والدین که مایل باشد، می‌تواند زندگی کند. ثالثاً- با توجه به اینکه حسب استعلام، زوجین مزبور با توافق خویش حضانت فرزندان مشترک را به زوجه محول نموده و بر همین اساس اقدام به طلاق نموده اند، هرگاه زوج بر خلاف توافق خود، تقاضای سلب حضانت فرزندان را از مادر بنماید، اگر علت حادث و جدیدی برای سلب حضانت از زوجه عنوان نکرده باشد، با توجه به تعیین تکلیف این قضیه با توافق زوجین و لازم الوفا بودن توافق مزبور بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی، موضوع خواسته زوج محکوم به رد است.

۲- نظریه ۷/۹۳/۱۴۴۴-۱۹۲۸/۴.ح.ق: ۱- در قوانین موضوعه ممنوعیتی در مورد تغییر جنسیت، ملاحظه نگردید و در جلد چهارم تحریرالوسیله امام خمینی (ره) در قسمت مربوط به فروع، مسئله ۱، حرام نبودن آن بیان شده و امری غیر ترافی می‌باشد و با توجه به ابتدای ماده ۴ قانون حمایت خانواده، در زمره «امور» است نه دعوی. ۲- نظر به اینکه ماهیت تغییر جنسیت از متفرعات آن مانند ضرورت اصلاح شناسنامه و مدارک هویتی، متفاوت می‌باشد و قانونگذار در بند ۱۸ ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱ رسیدگی به موضوع تغییر جنسیت را در صلاحیت دادگاه خانواده قرار داده است، بنابراین پیش از اقدام به آن باید مجوز لازم از دادگاه اخذ شود. ۳- دادگاه در مقام بررسی ضرورت تغییر جنسیت، موضوع را به پزشکی قانونی ارجاع و براساس نظریه پزشکی قانونی و سایر اوضاع و احوال، پس از تحقیق از شخص متقاضی تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. ۴- دادگاه فقط اجازه تغییر جنسیت و اعمال جراحی را صادر می‌کند و در حقیقت ضرورت آن را تأیید می‌نماید و به مانند سایر آراء غیرمالی، قابل تجدیدنظر است. ۵- هرگاه فرد پیش از تغییر جنسیت مرتکب عملی شود که از مصادیق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی باشد، می‌تواند تحت تعقیب کیفری قرار گیرد.

**تبصره-** به دعاوی اشخاص موضوع اصول دوازدهم (۱۲) و سیزدهم (۱۳) قانون اساسی حسب مورد طبق قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۴/۳۱ و قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیدگی می‌شود.

تصمیمات مراجع عالی اقلیت‌های دینی مذکور در امور حسبی و احوال شخصیه آنان از جمله نکاح و طلاق، معتبر و توسط محاکم قضائی بدون رعایت تشریفات، تنفیذ و اجراء می‌گردد.<sup>۱</sup>

**ماده ۵-** در صورت عدم تمکن مالی هر یک از اصحاب دعوی دادگاه می‌تواند پس از احراز مراتب و با توجه به اوضاع و احوال، وی را از پرداخت هزینه دادرسی، حق الزحمه کارشناسی، حق الزحمه داور و سایر هزینه‌ها معاف یا پرداخت آنها را به زمان اجرای حکم موکول کند.

**نظریه شماره ۷/۹۲/۲۹۷-۱۹۲/۲/۱۴ ح.ق:** بنابر فتوای امام خمینی (ره) در جلد چهارم تحریرالوسیله، مسئله ۶ از باب «چند فرع»، اگر جنس پدر به مخالف تغییر کند، ولایت او بر صغیرهایش ساقط می‌شود.

**۱- نظریه ۷/۹۲/۳۸۰-۱۹۲/۲/۲۲ ح.ق:** رسیدگی به دعاوی مالی موضوع ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ از جمله دعاوی مطالبه مهریه، نفقه زوجه، اجرت المثل ایام زوجیت و تجهیزیه فرض استعلام در صلاحیت اختصاصی دادگاه خانواده است و شورای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به دعاوی مذکور را ندارد، ولو اینکه از حیث مالی داخل در نصاب صلاحیت شورای حل اختلاف باشد.

**نظریه ۷/۹۲/۱۹۹۱-۱۹۲/۱۰/۱۴ ح.ق:** اجرت المثل با توجه به قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه مصوب ۱۳۱۲ جزء مواردی که رعایت آن طبق این قانون به رسمیت شناخته و تجویز شده است، نمی‌باشد و لذا مطالبه آن تابع مقررات قانون حمایت خانواده است.

**نظریه ۷/۹۲/۵۰۷-۱۹۲/۳/۲۰ ح.ق:** آنچه که در ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه مصوب ۱۳۱۲ و در تبصره ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مذکور است مشمول مسائل مربوط به نکاح و طلاق و ارث و وصیت و فرزند خواندگی است و مسائل دیگری همچون نفقه و حضانت که جزء قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است، از شمول مقررات یاد شده خارج است.

**نظریه ۷/۹۲/۴۹۸-۱۹۲/۳/۲۰ ح.ق:** به صراحت تبصره ۱ ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ از زمان اجرای این قانون در حوزه قضائی شهرستانی که دادگاه خانواده تشکیل نشده تا زمان تشکیل آن، دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوطه و مقررات این قانون به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کند، بنابر این شورای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به دعاوی مذکور را ندارد ولو آنکه از حیث مالی داخل در نصاب صلاحیت شوراهای مذکور باشد ولی شورا می‌تواند در دعاوی خانوادگی که از جمله دعاوی مدنی هستند در صورت تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام و نتیجه را جهت صدور گزارش اصلاحی به دادگاه ارسال نماید.

همچنین در صورت اقتضاء ضرورت یا وجود الزام قانونی دایر بر داشتن وکیل، دادگاه حسب مورد رأساً یا به درخواست فرد فاقد تمکن مالی وکیل معاضدتی تعیین می‌کند.

**تبصره- افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و مددجویان سازمان بهزیستی کشور از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌باشند.<sup>۱</sup>**

**ماده ۶-** مادر یا هر شخصی که حضانت طفل یا نگهداری شخص محجور را به اقتضاء ضرورت برعهده دارد، حق اقامه دعوی برای مطالبه نفقه طفل یا محجور را نیز دارد. در این صورت، دادگاه باید در ابتداء ادعای ضرورت را بررسی کند.<sup>۲</sup>

۱- نظریه ۷/۹۲/۸۵۶-۱۹۲/۵/۹ ح.ق: رسیدگی به دعوی اعسار از هزینه دادرسی به منظور رسیدگی به اصل دعوی اصلی است بنابراین به ادعای اعسار باید قبل از دعوی اصلی رسیدگی شود و دادگاه قبل از پرداخت هزینه دادرسی یا صدور حکم اعسار از پرداخت آن مجاز به ورود و اظهار نظر نسبت به دعوی اصلی نیست بنابراین دادگاه باید بدو با تقاضای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی و در صورت فراهم بودن مقدمات رسیدگی به دعوی اصلی نسبت به آن نیز رسیدگی نماید.

نظریه ۷/۹۲/۱۰۶۴-۱۹۲/۶/۵ ح.ق: با توجه به ماده ۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ در صورت عدم تمکن مالی هریک از اصحاب دعوی دادگاه می‌تواند پس از احراز مراتب وبا توجه به اوضاع و احوال، وی را از پرداخت هزینه دادرسی، حق الزحمه کارشناسی، حق الزحمه داورى وسایر هزینه‌ها معاف یا پرداخت آنها را به زمان اجرای حکم موکول کند همچنین در صورت اقتضاء و ضرورت یا وجود الزام قانونی دایر بر داشتن وکیل دادگاه حسب مورد رأساً یا به درخواست فرد فاقد تمکن مالی وکیل معاضدتی تعیین می‌کند. با توجه به قسمت اخیر ماده فوق به نظر می‌رسد پرداخت هزینه‌های فوق الذکر بر عهده دولت است در ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵ و ماده ۵۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ نیز به این موضوع تأکید شده است.

نظریه ۷/۹۲/۸۱۹-۱۹۲/۵/۱ ح.ق: اجرای مفاد ماده ۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ که بر اساس آن هریک از اصحاب دعوی ممکن است از پرداخت هزینه دادرسی، حق الزحمه کارشناسی، حق الزحمه داورى وسایر هزینه‌ها معاف یا پرداخت آن به زمان اجرای حکم موکول شود، به طور کلی خارج از شمول مقررات اعسار است و نیازمند هیچگونه تشریفاتى نمی‌باشد.

۲- نظریه ۷/۹۲/۱۳۹-۱۹۳/۲/۱ ح.ق: حسب ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، «اشخاص محجور» عبارتند از: صغار، اشخاص غیر رشید و مجانین. ولی در ماده ۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ با توجه به ذکر تفکیکی «اطفال» از «محجورین»، مراد از «محجورین» ناظر بر اشخاص غیر رشید و مجانین است. از طرفی با توجه به رأی وحدت رویه دیوانعالی کشور به شماره ۳۰ - ۱۳۶۴/۱۰/۳ که در حکم قانون و لازم الاتباع است، مداخله صغیر پس از بلوغ شرعی (دختران نه سال تمام قمری و پسران پانزده سال تمام قمری) در امور مالی، محتاج به اثبات رشد است و صرف بلوغ، کافی برای احراز رشد متعاملین نیست. لذا در مورد اشخاص بالغ کمتر از هجده سال برای دخالت در اموال و امور مالی، ثبوت رشد به حکم دادگاه لازم است. بنابراین با توجه به ماده ۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، مادر یا هر شخص دیگری که حضانت محجور، مثلاً دختر ده ساله یا پسر شانزده ساله را به

**ماده ۷-** دادگاه می‌تواند پیش از اتخاذ تصمیم در مورد اصل دعوی به درخواست یکی از طرفین در اموری از قبیل حضانت، نگهداری و ملاقات طفل و نفقه زن و محجور که تعیین تکلیف آنها فوریت دارد بدون اخذ تأمین، دستور موقت صادر کند. این دستور بدون نیاز به تأیید رئیس حوزه قضائی قابل اجراء است. چنانچه دادگاه ظرف شش ماه راجع به اصل دعوی اتخاذ تصمیم نکند، دستور صادرشده ملغی محسوب و از آن رفع اثر می‌شود، مگر آنکه دادگاه مطابق این ماده دوباره دستور موقت صادر کند.<sup>۱</sup>

عهده دارد، حق مطالبه نفقه برای ایشان را نیز دارد.

**نظریه ۷/۹۲/۸۴۸-۷/۹۲/۵/۷-ح.ق:** در ماده ۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نوعی نمایندگی قانونی به مادر یا هر شخصی که حضانت طفل یا نگهداری شخص محجور را به اقتضای ضرورت بر عهده دارد داده شده است که بتواند نفقه ایشان را از کسی که قانوناً مکلف به انفاق می‌باشد مطالبه کند بنابراین طرح دعوی مزبور باالاصله نیست زیرا این مبلغ را برای خودش مطالبه نمی‌کند، در حقیقت با تصویب این ماده مادر یا هر شخص که حضانت طفل یا نگهداری محجور را بر عهده دارد در امر مطالبه نفقه همان اختیار قیم را قانوناً دارا می‌باشد.

**۱- نظریه ۷/۹۲/۲۵۴۱-۷/۹۲/۱۲/۲۸-ح.ق:** ضابطین (مأمورین اجرا) می‌توانند به هر دو دادگاه صادر کننده دستور موقت موضوع را گزارش و درخواست تعیین تکلیف نمایند. دستور موقت‌های موضوع ماده ۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که بدون اخذ تأمین و بدون نیاز به تأیید رئیس حوزه قضائی صادر می‌شود در جایی قابل صدور است که اصل دعوی مطرح و دادگاه پیش از اتخاذ تصمیم درخصوص اصل دعوی در امور مذکور در ماده فوق‌الذکر دستور موقت صادر می‌نماید. بنابراین با فرض مطرح بودن اصل دعوی دستور موقت دادگاهی قابل اجرا است که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را طبق بند ۲ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و ماده ۸۹ قانون اخیرالذکر دارد. ضمناً اگر دستور موقت‌های صادره از دو شعبه دادگاه خانواده در مورد حضانت فرزند مشترک در تاریخ‌های متفاوت باشد، دستور موقتی لازم‌الاجرا است که به تاریخ مقدم صادر شده باشد زیرا فرض بر این است که دستور موقت ثانوی بدون توجه به دستور موقت قبلی صادر شده و لازم‌الاجرا نیست.

**نظریه ۷/۹۲/۱۲۶۱-۷/۹۲/۶/۳۰-ح.ق:** ۱- با توجه به فرض استعلام، به موجب ماده ۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ این اختیار به دادگاه داده شده که پیش از اتخاذ تصمیم در مورد اصل دعوی در امر نفقه هم به درخواست زوجه، دستور موقت صادر کند، دستور موقت مزبور به هیچ وجه تأثیری در اصل دعوی ندارد و در فرض مزبور اگر حکم به رد دعوی اصلی زوجه ( مبنی بر مطالبه نفقه) صادر شود، مشارالیها مکلف به جبران خسارت وارده به زوج ( ناشی از اجرای دستور موقت) می‌باشد و در صورت صدور حکم به ورود شکایت زوجه در دعوی اصلی، مبالغ مربوط به نفقه پرداختی موضوع دستور موقت صادره، می‌باید در حکم دادگاه ملحوظ نظر قرار گیرد.

**۲-** نکاح دختر باکره بدون اذن پدر یا جد پدری، غیرنافذ است (نه باطل) و تا زمانی که حکم به بطلان نکاح مزبور صادر نگردد، آثار عقد صحیح را دارا است. مقررات ماده ۱۰۴۳ اصلاحی قانون مدنی که نکاح دختر باکره را موقوف به اجازه پدر نموده، شرط صحت عقد نمی‌باشد بلکه شرط کمال عقد است و در فرض مطروحه در صورتی که صفت باکره بودن به هر علتی موجود نباشد، نیازی به اخذ گواهی یا اجازه پدر یا جد پدری برای ثبت ازدواج نیست و زوجین مزبور چنانچه بخواهند ازدواج خویش را رسمی نمایند می‌توانند با توجه به ماده ۳۲ قانون ثبت احوال و مواد ۶۸ و ۶۶ آیین نامه اصلاحی آن با تنظیم اقرار نامه رسمی رفع اشکال نمایند. ۳- هر چند به موجب ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی، ازدواج مادر موجب سلب حضانت وی نسبت به فرزند می‌گردد ولی مستنداً به مواد ۴۰

**ماده ۸- رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود.**

**تبصره- هرگاه خواهان خوانده را مجهول‌المکان معرفی کند، باید آخرین اقامتگاه او را به دادگاه اعلام کند. دادگاه به طرق مقتضی در این باره تحقیق و تصمیم‌گیری می‌کند.<sup>۱</sup>**

به بعد قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که مصلحت طفل اقتضاء دارد که حضانتش به مادر سپرده شود، می‌تواند حضانت را به مادر طفل بدهد.

**نظریه ۷/۹۳/۲۰۷- ۷/۹۳/۸/۲۴- ۱۳۹۳/۸/۲۴.ح.ق:** کلمه «می‌تواند» در ماده ۷ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، ناظر بر اختیار دادگاه برای قبول یا ردّ درخواست صدور دستور موقت با توجه به احراز فوریت یا عدم احراز آن می‌باشد؛ و گرنه در صورت پذیرش درخواست صدور دستور موقت نسبت به موضوعات مورد اشاره در ماده قانونی صدرالذکر، اصولاً تأمین اخذ نمی‌شود. این امر قبلاً در ماده ۲۰ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ نیز بیان شده بود.

**نظریه ۷/۹۲/۲۲۸۷- ۷/۹۲/۱۲/۳- ۱۹۲/۱۲/۳.ح.ق:** چون دستور موقت مندرج در ماده ۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ در قالب حکم صادر نمی‌شود و ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ ضمانت اجرای استنکاف از اجرای «حکم» دادگاه در مورد حضانت طفل و امتناع از استرداد طفل، یعنی «بازداشت» را مختص «حکم» دادگاه به شرح یاد شده دانسته است، لذا شامل «دستور موقت» در زمینه موضوع مذکور نمی‌گردد. ضمناً اگر دستور موقت های صادره از دو شعبه دادگاه خانواده در مورد حضانت فرزند مشترک در تاریخ های متفاوت باشد، دستور موقتی لازم‌الاجرا است که به تاریخ مقدم صادر شده باشد زیرا فرض بر این است که دستور موقت ثانوی بدون توجه به دستور موقت قبلی صادر شده و لازم الاجرا نیست.

**۱- نظریه شماره ۷/۹۳/۲۸۸ مورخ ۱۹۳/۲/۱۴.ح.ق:** رعایت مواعد قانونی که قانون گذار به منظور حفظ حقوق دفاعی اصحاب دعوی مقرر نموده است از اصول دادرسی است و منصرف از تشریفات مذکور در ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱ می‌باشد.

**نظریه ۷/۹۳/۱۹۱- ۷/۹۳/۲/۶.ح.ق:** چنانچه تحقیقات دادگاه طبق تبصره ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ منجر به شناسایی نشانی فعلی خوانده نشود دادگاه طبق ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی از خوانده جهت رسیدگی از طریق نشر آگهی دعوت به عمل خواهد آورد و چنانچه تحقیقات منجر به تعیین نشانی خوانده گردد نامبرده از نشانی تعیین شده دعوت خواهد شد.

**نظریه ۷/۹۲/۱۱۷۹- ۷/۹۲/۶/۱۸.ح.ق:** با توجه به ماده ۸ قانون حمایت خانواده دادگاه مقید به رعایت مهلت یک هفته‌ای موضوع ماده ۲۵۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیست برای پرداخت دستمزد کارشناسی، چنانچه دادگاه هنوز تصمیم نگرفته باشد ولی پرداخت کننده دستمزد کارشناسی اقدام به پرداخت دستمزد نماید هر چند مهلت یک هفته سپری شده باشد، دادگاه می‌تواند دستور اجرای قرار کارشناسی را صادر کند ولی اگر قبل از پرداخت دستمزد کارشناسی پرونده به نظر دادگاه برسد دادگاه می‌تواند با توجه به عدم پرداخت دستمزد تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

**نظریه ۷/۹۲/۶۴۶- ۷/۹۲/۴/۱۲.ح.ق:** هر چند هنوز دادگاه خانواده موضوع قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ تشکیل نشده است ولیکن به موجب تبصره ۱ ماده ۱ قانون اخیرالذکر «از زمان اجرای این قانون در حوزه قضایی شهرستان هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است تا زمان تشکیل آن، دادگاه‌های عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه به رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کنند»، بنابر این

**ماده ۹-** تشریفات و نحوه ابلاغ در دادگاه خانواده تابع مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است، لکن چنانچه طرفین دعوی طرق دیگری از قبیل پست، نامبر، پیام تلفنی و پست الکترونیک را برای این منظور به دادگاه اعلام کنند، دادگاه می‌تواند ابلاغ را به آن طریق انجام دهد. در هر صورت، احراز صحت ابلاغ با دادگاه است.<sup>۱</sup>

دادگاه‌های عمومی حقوقی که برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی اختصاص داده شده بودند نیز در حال حاضر می‌باید برابر مقررات قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ از جمله ماده ۸ رسیدگی نمایند. با عنایت به تبصره ۱ ماده ۲۰ و تبصره ماده ۲۱ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷، اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی شامل مقررات ناظر به صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی، رسیدگی به دلایل و مانند آن است و منظور از تشریفات، مقررات ناظر بر شرایط شکلی دادخواست، نحوه ابلاغ، تعیین اوقات رسیدگی، جلسه دادرسی و مانند آن است.

**نظریه ۷/۹۲/۵۰۰-۹۲/۳/۲۰.ح.ق:** منظور از تبصره ماده ۸ قانون حمایت خانواده این است که چنانچه خواهان خوانده را مجهول‌المکان معرفی نماید برای تحقیق در مورد صحت ادعای خواهان به وی (زوجه) تکلیف شده او نیز آخرین اقامتگاه خوانده را مشخص نماید تا چنانچه پس از تحقیقات اگر خوانده در همان محل باشد اوراق قضائی به آن محل ارسال در غیر این صورت از طریق انتشار آگهی در روزنامه از خوانده دعوت به عمل آید در حالیکه در مورد ماده ۱۲ اقامتگاه زوجین مشخص است در این صورت به زوجه اختیار داده شده است در محل اقامت خوانده و یا سکونت خود اقامه دعوی نماید و در مواردی که دعوا مربوط به مطالبه مهریه باشد و مهریه نیز مال غیر منقول باشد در محل استقرار مال غیر منقول اقامه دعوی شود.

**نظریه ۷/۹۳/۱۶۸۹-۱۳۹۳/۷/۲۲.ح.ق:** در مواردی که دادگاه خانواده برابر تبصره ماده ۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ راجع به نشانی خوانده تحقیق می‌کند، تصمیم‌گیری با دادگاه است. بنابراین، اگر نشانی دقیق خوانده در اثر تحقیق مشخص شود، می‌تواند، مقرر کند که در نشانی مزبور ابلاغ شود.

**۱- نظریه ۷/۹۲/۲۰۲۶-۱۹۲/۱۰/۱۷.ح.ق:** نظر به اینکه به موجب ماده ۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، تشریفات و نحوه ابلاغ در دادگاه خانواده تابع مقررات قانون آیین دادرسی مدنی است و از طرفی حسب ماده ۲۷ همین قانون، نظر داوران می‌تواند در رأی دادگاه مؤثر باشد (اگر دادگاه نظر داوران را نپذیرد با ذکر دلیل رد می‌کند)، بناً علیهذا در خصوص ابلاغ قرار ارجاع امر به داوری مستنداً به مواد قانونی صدرالذکر و در خصوص قرار ارجاع امر به کارشناسی به استناد ماده ۲۶۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و نیز مستفاد از ماده ۷۳ قانون اخیرالذکر، قرارهای یاد شده باید برای خوانده مجهول‌المکان از طریق نشر آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ابلاغ گردد.

**نظریه ۷/۹۲/۱۰۱۶-۹۲/۱۰/۱۶.ح.ق:** با عنایت به فرض استعمال و با توجه به تعریفی که از رأی غیابی در ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی آمده، چنانچه خوانده، سابقه ابلاغ واقعی اختطاری در پرونده دادگاه خانواده نداشته باشد و در جلسات دادرسی نیز حضور نیافته و لایحه‌ای هم تقدیم ننموده و وکیل نیز معرفی نکرده باشد، در اینصورت حکم صادره از سوی دادگاه در دعاوی خانوادگی نسبت به خوانده، غیابی محسوب است و صرف شرکت خوانده در جلسات مشاوره در مراکز مربوطه موضوع ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ در خارج از دادگاه، موجب حضوری شدن رأی مزبور نمی‌گردد.

**نظریه ۷/۹۳/۲۶۶۴-۱۳۹۳/۱۰/۲۹.ح.ق:** در فرض استعمال، چنانچه خواهان در دادخواست تقدیمی شماره تلفن همراه یا ثابت خود را قید نماید، قطع نظر از این که ماده ۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱



**ماده ۱۰-** دادگاه می‌تواند برای فراهم کردن فرصت صلح و سازش جلسه دادرسی را به درخواست زوجین یا یکی از آنان حداکثر برای دو بار به تأخیر اندازد.

**ماده ۱۱-** در دعوی مالی موضوع این قانون، محکوم‌له پس از صدور حکم قطعی و تا پیش از شروع اجرای آن نیز می‌تواند از دادگاهی که حکم نخستین را صادر کرده است، تأمین محکوم‌به را درخواست کند.

**ماده ۱۲-** در دعوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می‌تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوی کند مگر در موردی که خواسته، مطالبه مهریه غیرمنقول باشد.<sup>۱</sup>

حصری نیست، دادگاه در صورتی شماره های تماس مقید در دادخواست را می‌تواند برای امر ابلاغ مورد استفاده قرار دهد که خواهان تصریح نماید شماره تلفن همراه یا ثابت مصرح در دادخواست را برای امر ابلاغ، اعلام نموده است. شایان ذکر است با توجه به صراحت قسمت اخیر ماده قانونی صدرالاشاره، احراز صحت ابلاغ با دادگاه است. **نظریه ۷/۹۲/۱۰۱۳-۱۳۹۲/۶/۲ ح.ق:** اولاً وقتی طرفین یا یکی از اطراف پرونده قبول می‌نمایند که اخطاریه به وی از طریق پیامک ارسال شود باید به لوازم آن نیز که ابلاغ به طریق مذکور ابلاغ واقعی اخطاریه محسوب می‌شود، ملتزم باشد. ثانیاً به لحاظ فنی باز شدن یا نشدن پیامک توسط تلفن همراه مخاطب امکان پذیر است. ثالثاً به صراحت قسمت اخیر ماده ۹ قانون حمایت خانواده، احراز صحت ابلاغ به مخاطب به عهده مقام قضائی است. **نظریه ۷/۹۲/۲۳۸۴-۱۳۹۲/۱۲/۱۳ ح.ق:** با توجه به تصریح ماده ۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ تشریفات و نحوه ابلاغ ( اوراق دعوا و...) تابع مقررات قانون آئین دادرسی در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ است. در فرض سؤال که خواهان در آدرس اعلامی شناخته نشده است موضوع مشمول ماده ۵۶ قانون آئین دادرسی مدنی است. با توجه به اینکه رسیدگی به دعوی نسب، ترافعی است بدون ابلاغ وقت رسیدگی، دادگاه نمی‌تواند و نباید رسیدگی ماهوی نماید.

**۱- نظریه ۷/۹۳/۱۵۰-۱۳۹۳/۲/۱ ح.ق:** طبق ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، صلاحیت دادگاه خانواده صرفاً محدود به همان بندهای هجده گانه می‌باشد و دعوی کیفری موضوع ماده ۴۹ که بعد قانون مازالذکر، وفق آئین دادرسی کیفری و قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب رسیدگی می‌شود. به علاوه چنانچه بخواهیم صلاحیت دادگاه را افزایش دهیم نیاز به نص قانونی داریم و از طرفی در امور استثنائی می‌باید به قدر متیقن اکتفاء نمود و از تفسیر موسع که دامنه آن را بیشتر می‌کند، خودداری کرد. رویه موجود محاکم خانواده نیز بر همین اساس است بنابراین ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ صرفاً مربوط به دعوی مورد اشاره در این ماده است که زوجه می‌تواند در محل سکونت خود علیه زوج در دادگاه خانواده طرح نماید، در مورد ضرب و جرح و سایر جرائم، محل وقوع جرم ملاک صلاحیت است.

**نظریه ۷/۹۳/۱۲۱-۹۳/۱۲/۱ ح.ق:** ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ اجازه طرح دعوی و امور خانوادگی مربوط به «زوجین» را توسط زوجه در دادگاه محل سکونت خود داده است و به لحاظ اینکه استثنائی وارد بر اصل طرح دعوی در محل اقامت خوانده می‌باشد لذا صرفاً می‌باید به قدر متیقن اکتفاء نمود؛ بنابراین علی‌رغم آنکه ورثه زوج، قائم مقام مشارالیه در دعوی مهریه بعد از فوت زوج می‌باشند، ولی در چنین حالتی زوجه برای طرح دعوی مهریه به طرفیت وراثت زوج مرحوم، نمی‌تواند در محل سکونت خود طرح دعوی نماید. **نظریه ۷/۹۳/۹۵-۱۳۹۳/۱۲/۲۶ ح.ق:** آن چه ملاک صلاحیت دادگاه برابر ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ می‌باشد، «محل سکونت» زوجه است نه «محل اقامت» وی و این دو اصطلاح با هم مترادف نیستند.

**نظریه ۷/۹۲/۱۹۵۱-۱۹۲/۱۰/۸.ح.ق:** همانطور که ماده ۱۱۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی اعلام نموده است که درخواست تأمین خواسته از دادگاهی می‌شود که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را داشته باشد و لذا چنانچه زوجه به استناد ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده ۹۱ تأمین خواسته را از دادگاه محل اقامت خود درخواست کرده، ولی دعوای اصلی را در دادگاه محل سکونت خوانده مطرح کرده باشد، درخواست تأمین خواسته نیز باید به دادگاه محل سکونت خوانده فرستاده شود.

**نظریه ۷/۹۲/۲۱-۱۹۲/۱۱/۱۸.ح.ق:** رأی وحدت رویه شماره ۷۰۵-۱۳۸۶/۸/۱، ناظر به صلاحیت دادگاه محل اقامت زوجه نیست و راجع به صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد نکاح است، در فرضی که زوجه به استناد ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی در امور مدنی ورای وحدت رویه یادشده وبه اعتبار محل وقوع عقد، اقدام به طرح دادخواست مطالبه مهریه در دادگاه محل وقوع عقد کرده باشد، دعوی بعدی زوجه بر مطالبه نفقه یا طلاق، عنوان دعوی طاری را داشته و باتوجه به ماده ۱۷قانون مرقوم، رسیدگی به آن در صلاحیت همان دادگاه است ضمناً ماده ۷ قانون حمایت خانواده سابق مصوب ۱۳۵۳ بر فرض عدم نسخ ناظر به مورد نیست.

**نظریه ۷/۹۲/۱۵۷۷-۱۹۲/۸/۱۸.ح.ق:** با توجه به اینکه در مقابل نص قانون نمی‌توان اجتهاد نمود، لذا چون مفاد ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ مبنی بر جواز طرح دعوی خانوادگی از سوی زوجه به عنوان خواهان در محل اقامت خودش به طرفیت زوج (که بر خلاف عمومات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز می‌باشد) صرفاً ناظر به «زوجه» است، لذا با توجه به فرض استعلام در دعوی نفقه فرزند ولو آنکه دختر باشد، به طرفیت پدر، دادگاه صالح برای رسیدگی، دادگاه خانواده محل اقامت پدر (خوانده دعوی) می‌باشد و مفاد ماده ۱۲ قانون صدرالذکر قابل تسری به این دعوی نیست.

**نظریه ۷/۹۲/۸۱۹-۱۹۲/۵/۱.ح.ق:** امتیاز و اختیاری که در ماده ۱۲قانون حمایت خانواده در طرح دعوای و امور خانوادگی به زوجه داده شده است مغایرتی با مقررات ماده ۱۳قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و رأی شماره ۷۰۵-۱۳۸۶/۸/۱ هیأت عمومی دیوانعالی کشور ندارد زیرا طبق مقررات اخیرالذکر، خواهان می‌تواند در دعوای راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده است به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است و با توجه به کلمه « خواهان می‌تواند» که در تمام این مقررات به کار رفته است حاکی از اختیار خواهان و قابل جمع بودن این مقررات است که خواهان مختار است به دادگاه محل سکونت خود یا خوانده (طبق ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده) یا دادگاهی که عقد نکاح در حوزه آن واقع شده در مواردی که دعوی راجع به اموال منقول ناشی از عقد نکاح باشد مراجعه نماید، بدیهی است در مواردی که دعوا مربوط به مطالبه مهریه باشد و مهریه نیز مال غیرمنقول باشد به صراحت قسمت اخیر ماده ۱۲قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ در محل استقرار مال غیرمنقول اقامه دعوی به عمل می‌آید.

**نظریه ۷/۹۴/۱۶۵-۱۳۹۴/۱۰/۲۵.ح.ق:** طبق مواد ۱۲ و بعد قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، زوجه نیز می‌تواند دادخواست طلاق به جهات شرعی و قانونی به دادگاه تقدیم نماید و طبق ماده ۲۹ این قانون چنانچه بتواند حکم طلاق اخذ نموده و به مرحله اجرا برسد، می‌تواند بدون صرف نظر کردن از مهریه و جهیزیه و اجرت‌المثل، رأی طلاق را اجرا و پس از آن برای مطالبه حقوق مذکور از طریق اجرای احکام اقدام نماید. ولی در طلاق خلع، نفقه ایام عده به زوجه تعلق نمی‌گیرد. نحله نیز در مواردی که زوجه متقاضی طلاق است به وی تعلق نمی‌گیرد.

**نظریه ۷/۹۲/۲۰۸-۱۳۹۲/۸/۲۴.ح.ق:** قانونگذار در ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ به زوجه اختیار داده است که در محل سکونت خود اقامه دعوی کند، مگر آنکه خواسته مطالبه مهریه غیرمنقول باشد. بنابراین بر اساس این ماده، دادگاه محل سکونت زوجه در صورتی صالح به رسیدگی است که خواهان در آنجا طرح دعوی نموده باشد. در حالی که در فرض سؤال، در محل دیگری طرح دعوی شده است و لذا صدور قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه محل سکونت زوجه فاقد توجیه قانونی است و درخواست خواهان نیز در این

**ماده ۱۳-** هرگاه زوجین دعاوی موضوع صلاحیت دادگاه خانواده را علیه یکدیگر در حوزه‌های قضایی متعدد مطرح کرده باشند، دادگاهی که دادخواست مقدم به آن داده شده است صلاحیت رسیدگی را دارد. چنانچه دو یا چند دادخواست در یک روز تسلیم شده باشد، دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دعوای زوجه را دارد به کلیه دعاوی رسیدگی می‌کند.<sup>۱</sup>

**ماده ۱۴-** هرگاه یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد، دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران اقامت دارد برای رسیدگی صالح است. اگر زوجین مقیم خارج از کشور باشند ولی یکی از آنان در ایران سکونت موقت داشته باشد، دادگاه محل سکونت فرد ساکن در ایران و اگر هر دو در ایران سکونت موقت داشته باشند، دادگاه محل سکونت موقت زوجه برای رسیدگی صالح است. هرگاه هیچ یک از زوجین در ایران سکونت نداشته باشند، دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی را دارد، مگر آنکه زوجین برای اقامه دعوی در محل دیگر توافق کنند.

**ماده ۱۵-** هرگاه ایرانیان مقیم خارج از کشور امور و دعاوی خانوادگی خود را در محاکم و مراجع صلاحیت‌دار محل اقامت خویش مطرح کنند، احکام این محاکم یا مراجع در ایران اجراء نمی‌شود مگر آنکه دادگاه صلاحیت‌دار ایرانی این احکام را بررسی و حکم تنفیذی صادر کند.

مورد تأثیری ندارد و در نتیجه با توجه به اصل صلاحیت محل اقامت خواننده، این دادگاه صالح به رسیدگی است. بدیهی است که خواهان می‌تواند دعوای خود را مسترد و به استناد اختیار مقرر در ماده ۱۲ قانون یاد شده در محل اقامت خود اقامه دعوا نماید و اگر وکیل اشتبهاً دعوا را در محل اقامت خود طرح کرده باشد، نمی‌تواند مرتکب تخلف شده باشد و در هر حال تشخیص مصداق با مرجع رسیدگی‌کننده است.

۱- **نظریه ۷/۹۲/۲۵۴۱-۱۹۲/۱۲/۲۸.ح.ق:** الف- مراد از حوزه‌های قضایی متعدد، حوزه‌های قضایی مختلف است چه داخل یک استان قرار گرفته باشند چه خارج از یک استان. ب- با توجه به نص ماده ۱۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ که فقط ناظر بر حوزه‌های قضایی متعدد است محاکم مختلف یک حوزه قضایی را شامل نمی‌شود. ج- با توجه به اینکه قوانین شکلی عطف بما سبق می‌شوند ماده ۱۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ ناظر به دعاوی که قبل از لازم الاجرا شدن قانون اخیرالذکر هم مطرح شده اند می‌باشد. د- باتوجه به قسمت اخیر ماده ۱۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، ماده مزبور صرفاً ناظر به پرونده‌های جریان یافته می‌باشد.

**نظریه ۷/۹۲/۶۴۶-۱۹۲/۴/۱۲.ح.ق:** با توجه به نص ماده ۱۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که فقط ناظر بر حوزه‌های قضایی متعدد است و شعب یک حوزه قضایی را شامل نمی‌شود و با توجه به اصول و مقررات حکم بر صلاحیت دادگاه‌ها به شرح مندرج در باب اول قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ماده ۱۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، استثناء بر اصل است لذا باید به قدر متقین که همانا نص ماده ۱۳ قانون اخیرالذکر که صرفاً ناظر بر حوزه‌های قضایی متعدد است، اکتفا کنیم.

**تبصره-** ثبت طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور در کنسولگری‌های جمهوری اسلامی ایران به درخواست کتبی زوجین یا زوج با ارائه گواهی اجرای صیغه طلاق توسط اشخاص صلاحیتدار که با پیشنهاد وزارت امور خارجه و تصویب رئیس قوه قضائیه به کنسولگری‌ها معرفی می‌شوند امکان‌پذیر است. ثبت طلاق رجعی منوط به انقضای عده است.

در طلاق بائن نیز زوج می‌تواند طلاق خود را با درخواست کتبی و ارائه گواهی اجرای صیغه طلاق توسط اشخاص صلاحیتدار فوق در کنسولگری ثبت نماید. در مواردی که طلاق به درخواست زوج ثبت می‌گردد، زوج می‌تواند با رعایت این قانون برای مطالبه حقوق قانونی خود به دادگاه‌های ایران مراجعه نماید.<sup>۱</sup>

### فصل دوم: مراکز مشاوره خانوادگی

**ماده ۱۶-** به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضائیه موظف است ظرف سه سال از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند.

**تبصره-** در مناطقی که مراکز مشاوره خانواده وابسته به سازمان بهزیستی وجود دارد دادگاه‌ها می‌توانند از ظرفیت این مراکز نیز استفاده کنند.<sup>۲</sup>

۱- نظریه شماره ۷/۹۲/۷۰۷-ح.ق.ج: ۱۹۲/۴/۱۹. حسب مواد ۴ و ۲۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، ثبت طلاق پس از صدور رأی از ناحیه دادگاه خانواده، مجاز است، اگر چه طلاق زوجین ایرانی مقیم خارج از کشور، پس از صدور حکم از ناحیه دادگاه آلمان، در صورت اجرای صیغه شرعی طلاق فیما بین زوجین مزبور، وفق موازین شرعی و توسط مقام صلاحیت دار، نفوذ شرعی دارد. ولی مستنداً به ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ و ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، حکم طلاق صادره از دادگاه آلمان در مورد زوجین ایرانی، زمانی واجد اثر حقوقی در ایران می‌گردد و قابلیت اجرا می‌یابد که در دادگاه خانواده ایران تنفیذ گردد بنابراین برای تنفیذ طلاق با توجه به ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، زوج می‌باید ضمن ارائه مدارک و مستندات مربوطه، مبادرت به تقدیم دادخواست تنفیذ طلاق در دادگاه خانواده صالح نماید و درخصوص صلاحیت محلی دادگاه نامبرده نیز مفاد ماده ۱۴ قانون اخیرالذکر ملاک می‌باشد.

۲- نظریه شماره ۷/۹۲/۲۰۱۷-ح.ق.ج: ۱۹۲/۱۰/۱۶. با عنایت به فرض استعلام و باتوجه به تعریفی که از رأی غیابی در ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی آمده، چنانچه خواننده، سابقه ابلاغ واقعی اختاریه در پرونده دادگاه خانواده نداشته باشد و در جلسات دادرسی نیز حضور نیافته و لایحه ای هم تقدیم ننموده و وکیل نیز معرفی نکرده باشد، در اینصورت حکم صادره از سوی دادگاه در دعوی خانوادگی نسبت به خواننده، غیابی محسوب است و صرف شرکت خواننده در جلسات مشاوره در مراکز مربوطه موضوع ماده ۱۶ قانون

**ماده ۱۷-** اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسان رشته‌های مختلف مانند مطالعات خانواده، مشاوره، روان پزشکی، روان شناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی انتخاب می‌شوند و حداقل نصف اعضای هر مرکز باید از بانوان متأهل واجد شرایط باشند. تعداد اعضاء، نحوه انتخاب، گزینش، آموزش و نحوه رسیدگی به تخلفات اعضای مراکز مشاوره خانواده، شیوه انجام وظایف و تعداد این مراکز و نیز تعرفه خدمات مشاوره‌ای و نحوه پرداخت آن به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به وسیله وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضائیه می‌رسد.

**ماده ۱۸-** در حوزه‌های قضائی که مراکز مشاوره خانواده ایجاد شده است، دادگاه خانواده می‌تواند در صورت لزوم با مشخص کردن موضوع اختلاف و تعیین مهلت، نظر این مراکز را در مورد امور و دعاوی خانوادگی خواستار شود.<sup>۱</sup>

**ماده ۱۹-** مراکز مشاوره خانواده ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین، خواسته‌های دادگاه را در مهلت مقرر اجراء و در موارد مربوط سعی در ایجاد سازش می‌کنند. مراکز مذکور در صورت حصول سازش به تنظیم سازش نامه مبادرت و در غیر این صورت نظر کارشناسی خود در مورد علل و دلایل عدم سازش را به طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام می‌کنند.

**تبصره-** دادگاه با ملاحظه نظریه کارشناسی مراکز مشاوره خانواده به تشخیص خود مبادرت به صدور رأی می‌کند.

### فصل سوم: ازدواج

**ماده ۲۰-** ثبت نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق الزامی است.

**ماده ۲۱-** نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری

حمایت خانواده مصوب ۹۱ در خارج از دادگاه، موجب حضوری شدن رأی مزبور نمی‌گردد.

۱- نظریه شماره ۷/۹۲/۵۹۶ - ۱۳۹۲/۴/۱ ح.ق: طبق ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در حوزه قضایی که مراکز مشاوره خانواده ایجاد شده، دادگاه خانواده می‌تواند در صورت لزوم نظر این مرکز را در مورد امور و دعاوی خانوادگی خواستار شود بکار بردن عبارت «می‌تواند در صورت لزوم» حاکی از اختیار دادگاه است. لذا بدون کسب نظر مرکز مشاوره خانواده، دادگاه می‌تواند مبادرت به صدور رأی بنماید.

روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است مورد حمایت قرار میدهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است و ثبت آن در موارد زیر الزامی است:

۱- باردارشدن زوجه

۲- توافق طرفین

۳- شرط ضمن عقد

**تبصره-** ثبت وقایع موضوع این ماده و ماده (۲۰) این قانون در دفاتر اسناد رسمی ازدواج یا ازدواج و طلاق مطابق آیین‌نامه‌ای است که ظرف یک سال با پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد و تا تصویب آیین‌نامه مذکور، نظام نامه‌های موضوع ماده (۱) اصلاحی قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶/۲/۲۹ کماکان به قوت خود باقی است.<sup>۱</sup>

**ماده ۲۲-** هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است.<sup>۲</sup>

۱- نظریه ۷/۹۲/۲۲۹۳-ح.ق. ۱۹۲/۱۲/۳. الزام قانونی زوجین به ثبت ازدواج موقت در موارد سه گانه مذکور در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب اسفندماه ۱۳۹۱، نافی لزوم اخذ اجازه مرد متأهل برای ازدواج دوم از موقت یا دائم موضوع ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ نمی‌باشد بنابراین ثبت ازدواج موقت مرد متأهل در موارد یادشده فوق مستلزم اخذ اجازه دادگاه است.

۲- نظریه ۷/۹۵/۱۷۵۱-ح.ق. ۱۹۵/۱۲/۲۶. باتوجه به اطلاق ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۱ اعمال مقررات ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، ناظر به مواردی است که زوج مهریه را تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی و یا معادل آن نپرداخته باشد، بنابراین چنانچه زوج قبل از اجرای این قانون و یا اینکه بعد از اجرای قانون نسبت به پرداخت یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی و یا معادل آن اقدام کرده باشد، بازداشت زوج در اجرای ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی برخلاف قانون مرقوم و بازداشت غیر قانونی محسوب می‌شود، اما این امر مانع نخواهد بود که زوجه نسبت به مازاد ۱۱۰ سکه مهریه، اموال زوج را از طریق معرفی به اجرای احکام توقیف و از آن استیفای حق نماید.

نظریه ۷/۹۳/۶۷۵-ح.ق. ۱۹۳/۳/۲۵. برابر ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱، وصول مهریه تا سقف ۱۱۰ سکه مشمول مقررات ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است. در نتیجه چنانچه زوج علی‌رغم ملائت از پرداخت آن خودداری نماید، به درخواست زوجه حبس می‌شود و نسبت به مازاد، این مقررات قابل اعمال نخواهد بود. نظریه ۷/۹۳/۳۰۹-ح.ق. ۱۹۳/۲/۱۵. با توجه به مقررات ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، مهریه

تا یکصد و ده عدد سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن می‌تواند مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی قرار گیرد و در خصوص مازاد بر این میزان، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است و حتی صدور گزارش اصلاحی در خصوص مازاد بر میزان مذکور هم موجب تسری مفاد ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی نسبت به مهریه مازاد بر میزان صدرالذکر نمی‌گردد ضمناً حکم مقرر در ماده مزبور از قواعد امره بوده و نسبت به گذشته نیز قابل تسری است.

**نظریه شماره ۷/۹۳/۱۶۷ مورخ ۱۹۳/۲/۲ ح.ق:** ۱- با توجه به ماده ۲۴ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و نیز با عنایت به رأی وحدت رویه شماره ۷۲۲ مورخ ۱۳۹۰/۱/۱۳ دیوان عالی کشور که دعوی اعسار مدیون در اثناء رسیدگی به دعوی داین را قابل استماع دانسته است استماع دعوی اعسار کلی یا جزئی از محکوم‌بها بلامانع است. ۲- کسر از حقوق محکوم‌علیه نسبت به کل محکوم‌بها است.

**نظریه ۷/۹۲/۲۱۸۷-۱۹۲/۱۱/۱۶ ح.ق:** برابر ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ وصول مهریه تا سقف ۱۱۰ سکه مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است؛ در نتیجه چنانچه زوج علی‌رغم ملائت آن پرداخت آن خودداری نماید، به درخواست زوجه حبس می‌شود و نسبت به مازاد بر این مقدار این مقررات قابل اعمال نخواهد بود، اما این امر مانع نخواهد بود که زوجه نسبت به مازاد از ۱۱۰ سکه مهریه، اموال زوج را از طریق معرفی به اجرای احکام توقیف و استیفاء نماید.

**نظریه ۷/۹۲/۱۷۸۴-۱۹۲/۹/۱۳ ح.ق:** ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (و در حال حاضر ماده ۳ قانون جدید مصوب ۱۳۹۳) (بازداشت زوج) برای مازاد بر میزان ۱۱۰ سکه بابت مهریه قابل اعمال نمی‌باشد، لکن این امر مانع از این نیست که زوجه نسبت به مازاد ۱۱۰ سکه در خصوص وصول مهریه اموال زوج را از طریق معرفی به اجرای احکام توقیف و استیفاء حق نماید.

**نظریه ۷/۹۲/۸۲۹-۱۹۲/۵/۷ ح.ق:** اطلاق ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ فقط شامل مهریه تا میزان ۱۱۰ سکه بهار آزادی یا معادل آن می‌شود بنابراین نسبت به مازاد آن چه نسبت به متعهد اصلی (زوج) چه ضامین قابلیت اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی وجود ندارد.

**نظریه ۷/۹۲/۱۳۳۴-۱۹۲/۷/۸ ح.ق:** ۱- با توجه به اطلاق ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ اعمال مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ناظر به مواردی است که زوج مهریه را تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی و یا معادل آن نپرداخته باشد، بنابراین چنانچه زوج قبل از اجرای این قانون و یا اینکه بعد از اجرای قانون نسبت به پرداخت یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی و یا معادل آن اقدام کرده باشد، بازداشت زوج در اجرای ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ (و ماده ۳ قانون جدید مصوب ۱۳۹۳) برخلاف قانون مرقوم و بازداشت غیر قانونی محسوب می‌شود و در صورت صدور برگ جلب باید از آن رفع اثر شود. چنانچه زوج قبل یا بعد از اجرای قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ یکصد و ده سکه از مهریه متعلقه را به زوجه پرداخت نموده باشد در فرض استعلام دادگاه صادر کننده حکم قطعی باید در اجرای ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نسبت به صدور دستور آزادی زوج در صورت حبس بودن و یا رفع اثر از دستور جلب وی اقدام نماید.

**نظریه ۷/۹۳/۱۹۳۷-۱۹۲/۸/۱۷ ح.ق:** صدور حکم به تقسیط موجب رفع ممنوع خروجی زوج توسط اجرای ثبت که براساس آئین نامه اجرای مفاد رسمی لازم الاجرا صادر گردیده، نمی‌باشد.

**نظریه شماره ۷/۹۳/۱۵۰۶-۱۳۹۳/۶/۲۶ ح.ق:** چنانچه مهریه زوجه سکه باشد، اجرائیه باید نسبت به سکه ها صادر گردد و نه بهاء آن و زوجه حق مطالبه آن را دارد. حال چنانچه عین سکه ها قابل وصول نباشد، قیمت آن باید پرداخت شود. در این صورت قیمت سکه ها باید به نرخ یوم‌الاداء تعیین و بر آن اساس، محاسبه و پرداخت گردد. لازم به ذکر است که تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹ ناظر به موردی است که مهریه از ابتدا وجه رایج بوده باشد.

**ماده ۲۳-** وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون بیماری‌هایی را که باید طرفین پیش از ازدواج علیه آنها واکسینه شوند و نیز بیماری‌های واگیردار و خطرناک برای زوجین و فرزندان ناشی از ازدواج را معین و اعلام کند. دفاتر رسمی ازدواج باید پیش از ثبت نکاح گواهی صادرشده از سوی پزشکان و مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دال بر عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم ابتلاء به بیماری‌های موضوع این ماده و یا واکسینه شدن طرفین نسبت به بیماری‌های مذکور را از آنان مطالبه و بایگانی کنند.

**تبصره-** چنانچه گواهی صادرشده بر وجود اعتیاد و یا بیماری دلالت کند، ثبت نکاح در صورت اطلاع طرفین بلامانع است. در مورد بیماری‌های مسری و خطرناک که نام آنها به وسیله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام می‌شود، طرفین جهت مراقبت و نظارت به مراکز تعیین شده معرفی می‌شوند. در مواردی که بیماری خطرناک زوجین به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منجر به خسارت به جنین باشد، مراقبت و نظارت باید شامل منع تولید نسل نیز باشد.

### فصل چهارم: طلاق

**ماده ۲۴-** ثبت طلاق و سایر موارد انحلال نکاح و نیز اعلام بطلان نکاح یا طلاق در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق حسب مورد پس از صدور گواهی عدم امکان سازش یا حکم مربوط از سوی دادگاه مجاز است.

**ماده ۲۵-** در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد. در این موارد طرفین می‌توانند تقاضای طلاق توافقی را از ابتداء در مراکز مذکور مطرح کنند. در صورت عدم انصراف متقاضی از طلاق، مرکز مشاوره خانواده موضوع را با مشخص کردن موارد توافق جهت اتخاذ تصمیم نهایی به دادگاه منعکس می‌کند.

**ماده ۲۶-** در صورتی که طلاق، توافقی یا به درخواست زوج باشد، دادگاه به صدور گواهی عدم امکان سازش اقدام و اگر به درخواست زوجه باشد، حسب



مورد، مطابق قانون به صدور حکم الزام زوج به طلاق یا احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق مبادرت می‌کند.<sup>۱</sup>

**ماده ۲۷-** در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند.<sup>۲</sup>

۱- نظریه ۷/۹۳/۱۴۹-۱۹۳/۲/۱.ح.ق: در موردی که زوجه به استناد تحقق شرایط اعمال وکالت، متقاضی طلاق است، موضوع متفاوت از موارد صدور حکم طلاق است و دادگاه علاوه بر احراز شرایط اعمال وکالت، مبادرت به صدور گواهی عدم امکان سازش نیز می‌نماید و مدت اعتبار این گواهی، سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی است.

نظریه ۷/۹۲/۱۹۱۴-۹۲/۱۰/۴.ح.ق: حکم احراز شرایط اعمال وکالت موضوع قسمت اخیر ماده ۲۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ یا حکمی که بر اساس وکالت محضری زوجه از زوج برای طلاق بر جواز اعمال وکالت صادر می‌شود، متفاوت از حکم طلاق مذکور در ماده ۳۳ آن قانون بوده و به منزله طلاق توافقی است؛ زیرا زوجه به وکالت از زوج اقدام می‌کند که حکایت از موافقت موکل بر طلاق دارد و مورد مشمول ماده ۳۴ قانون یاد شده است که مدت اعتبار آن سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی است.

نظریه شماره ۷/۹۲/۱۳۳۱-۹۲/۷/۸.ح.ق: حکم احراز شرایط اعمال وکالت موضوع قسمت اخیر ماده ۲۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ یا حکمی که بر اساس وکالت محضری زوجه از زوج برای طلاق بر جواز اعمال وکالت صادر می‌شود متفاوت از حکم طلاق مذکور در ماده ۳۳ آن قانون بوده و به منزله طلاق توافقی است زیرا زوجه به وکالت از زوج اقدام می‌کند که حکایت از موافقت موکل بر طلاق دارد و مورد مشمول ماده ۳۴ قانون یاد شده است که مدت اعتبار آن سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی است.

نظریه ۷/۹۲/۱۳۱۹-۹۲/۷/۷.ح.ق: طلاق توافقی طبق ماده ۲۶ قانون حمایت خانواده یا به لحاظ توافق طرفین در طلاق یا به درخواست زوج به صورت گواهی عدم امکان سازش صادر می‌شود و طبق ماده ۳۴ این قانون، گواهی مذکور باید به مرحله قطعیت برسد تا لازم الاجراء شود، اعم از اینکه به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی باشد یا پس از تجدیدنظرخواهی قطعی شود. ولی در مورد صدور حکم به طلاق بر اساس ماده ۳۳ قانون مذکور علاوه بر تجدیدنظرخواهی، فرجام خواهی نیز پیش بینی شده است اعم از اینکه الزام به صدور حکم طلاق به درخواست زوجه و به لحاظ جهات قانونی باشد یا به لحاظ تحقق شرط یا شرایط ضمن عقد.

نظریه شماره ۷/۹۳/۴۴۷-۹۳/۲/۲۹.ح.ق: در فرض سؤال (اگر زوجه با استفاده از وکالت که در سند نکاحیه دارد یک بار از این وکالت استفاده کرده و با بذل ۵۰ سکه خودش را مطلقه کند و بعدا رجوع انجام شده، حال بفرمایید برای بار دوم یا بیشتر حق استفاده از این وکالت را دارد یا خیر؟) با رجوع، رابطه زوجیت به حالت اول بازمی‌گردد، چون موضوع وکالت به نحو کامل محقق نشده است، بنابراین وکالت ضمن عقد نکاح کماکان به اعتبار خود باقی است.

۲- نظریه ۷/۹۲/۵۳۶-۹۲/۲/۲۶.ح.ق: نظر به اینکه وکلای منتخب زوجین بیانگر نظر و اراده آنان در طرح تقاضای طلاق توافقی می‌باشند و علاوه بر آن و در ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده مصوب اسفند ماه ۱۳۹۱ در طلاق‌های توافقی ضرورتی به ارجاع امر به داوری نمی‌باشد. چنانچه توافق زوجین بر طلاق محرز باشد تعیین معرفی داور از طرف زوجین منتفی است.

**ماده ۲۸-** پس از صدور قرار ارجاع امر به داور، هریک از زوجین مکلفند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ یک نفر از اقارب متأهل خود را که حداقل سی سال داشته و آشنا به مسائل شرعی و خانوادگی و اجتماعی باشد به عنوان داور به دادگاه معرفی کنند.

**تبصره ۱-** محارم زوجه که همسرشان فوت کرده یا از هم جدا شده باشند، در صورت وجود سایر شرایط مذکور در این ماده به عنوان داور پذیرفته می‌شوند.  
**تبصره ۲-** در صورت نبود فرد واجد شرایط در بین اقارب یا عدم دسترسی به ایشان یا استنکاف آنان از پذیرش داور، هریک از زوجین می‌توانند داور خود را از بین افراد واجد صلاحیت دیگر تعیین و معرفی کنند. در صورت امتناع زوجین از معرفی داور یا عدم توانایی آنان دادگاه، خود یا به درخواست هریک از طرفین به تعیین داور مبادرت می‌کند.

**ماده ۲۹-** دادگاه ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج، تکلیف جهیزیه، مهریه و نفقه زوجه، اطفال و حمل را معین و همچنین اجرت‌المثل ایام زوجیت طرفین مطابق تبصره ماده (۳۳۶) قانون مدنی تعیین و در مورد چگونگی حضانت و نگهداری اطفال و نحوه پرداخت هزینه‌های حضانت و نگهداری تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. همچنین دادگاه باید با توجه به وابستگی عاطفی و مصلحت طفل، ترتیب، زمان و مکان ملاقات وی با پدر و مادر و سایر بستگان را تعیین کند. ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه است. طلاق در صورت رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی دایر بر اعسار زوج یا تقسیط محکوم‌به نیز ثبت می‌شود. در هر حال، هرگاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد می‌تواند پس از ثبت طلاق برای دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام دادگستری مطابق مقررات مربوط اقدام کند.<sup>۱</sup>

نظریه ۷/۹۳/۱۴۲۶-۱۳۹۳/۶/۱۸.ح.ق: با توجه به صراحت ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ با این عبارت: «در کلیه موارد درخواست طلاق به جز طلاق توافقی دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش، موضوع را به داور ارجاع کند»، ارجاع امر به داور الزامی است و دادگاه اعم از اینکه درخواست موجه باشد یا خیر، باید در غیر موارد درخواست طلاق توافقی موضوع را به داور ارجاع نماید.

۱- نظریه ۷/۹۳/۶۳۷-۹۳/۳/۲۱.ح.ق: پس از صدور گواهی عدم امکان سازش بر اساس توافق زوجین و جاری شدن صیغه طلاق فی‌مابین آن‌ها، در صورتی که یکی از طرفین از انجام توافقات مندرج در گواهی موردنظر

خودداری نماید، طرف ذی نفع می‌تواند تقاضای صدور اجرائیه به منظور اجرای تعهدات مالی (مانند مهریه) و یا غیرمالی (مثل حضانت) را وفق مفاد گواهی عدم امکان سازش از دادگاه صادرکننده آن، بنماید. تصریح ذیل ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده ۹۱ به این امر راجع به امور مالی، صرفاً از این جهت است که در این ماده، ثبت طلاق موکول به تأدیة حقوقی مالی زوجه شده است و متعاقب آن اعلام گردیده که هرگاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد، می‌تواند پس از ثبت طلاق برای دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام دادگستری مطابق مقررات مربوط اقدام کند. بنابراین به معنای انحصار حکم (امکان صدور اجرائیه) به حقوق مالی نمی‌باشد.

**نظریه ۷/۹۳/۶۲۸-۱۹۳/۳/۲۰-ح.ق:** امتناع طفل یا نوجوان از ملاقات با پدر (خواهان) نقض یک تعهد یا الزام قانونی برای طفل یا نوجوان (فرزند) تلقی نمی‌شود تا طرح دعوا مطابق ماده ۲ قانون آئین دادرسی در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ را توجیه نماید. بلکه این امر یک تکلیف اخلاقی است که فاقد ضمانت اجرای حقوقی می‌باشد و اساساً چنین دعایی در صورتی که به طرفیت فرزند مطرح گردد، قابلیت استماع را ندارد.

**نظریه ۷/۹۳/۵۱۴-۱۹۳/۳/۷-ح.ق:** اولاً- اعمال مفاد ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، در خصوص تعیین تکلیف حقوق مالی زوجه و وضعیت فرزندان در زمان صدور رأی برای طلاق، با توجه به اطلاق آن هم شامل موردی است که زوج خواهان طلاق است و هم شامل موردی است که زوجه یا هر دو نفر زوجین خواستار طلاق هستند و با توجه به منطوق آن نیازی نیست که زوجه مبادرت به تقدیم دادخواست برای مطالبه حقوق مالی خود نماید و دادگاه رأساً ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج و مقررات قانونی، تکلیف حقوق مالی زوجه و تکلیف فرزندان را مشخص می‌نماید.

ثانیاً- اگر زوجه متقاضی طلاق باشد، ولی راجع به حقوق مالی خود درخواستی نداشته باشد، دادگاه در این مورد حکمی صادر نمی‌کند.

**نظریه ۷/۹۳/۴۶۷-۱۹۳/۲/۳۱-ح.ق:** در مورد «اجرت المثل» طبق ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱/۱۲/۱، اجرت المثل ایام زوجیت بر اساس تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی تعیین می‌گردد بنابراین تعیین آن ربطی به نحوه رفتار زوجه ندارد.

**نظریه ۷/۹۳/۲۱۰-۱۹۳/۲/۷-ح.ق:** ثبت طلاق طبق ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده ۹۱ در دو مورد ممکن خواهد بود: ۱- ثبت طلاق در صورت پرداخت حقوق مالی زوجه از ناحیه زوج. ۲- ثبت طلاق در صورت رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی بر اعسار زوج یا تقسیط محکوم به. اگر حکم طلاق آماده اجرا بوده و از طرف یکی از زوجین به دفتر خانه مربوطه ارائه شده باشد و زوج تا این تاریخ موفق به پرداخت حقوق مالی زوجه که مورد حکم قرار گرفته، نشده باشد یا حکم اعسار یا تقسیط محکوم به را دریافت ننموده باشد و زوجه نیز بدون دریافت حقوق مالی خود راضی به ثبت طلاق نباشد، ثبت آن ممکن نخواهد بود. هر چند زوج پس از صدور حکم طلاق نیز در خصوص حقوق مالی زوجه می‌تواند دادخواست اعسار و تقسیط به دادگاه بدهد ولی چون طبق ماده ۳۳ قانون حمایت خانواده ۹۱، مدت اعتبار حکم طلاق شش ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی است، چنانچه تا زمان اعتبار حکم طلاق، زوج توانسته باشد حکم اعسار یا تقسیط محکوم به را دریافت نماید و یا زوجه بر اساس قسمت اخیر ماده ۲۹ به ثبت طلاق رضایت دهد و پس از ثبت طلاق برای دریافت حقوق مالی مندرج در حکم صادره از طریق اجرای احکام اقدام کند، حکم طلاق ثبت می‌شود در غیر این صورت حکم طلاق اعتبار خود را از دست می‌دهد و طرفی که مایل به طلاق باشد، مجدداً باید اقدام کند. با وصف مراتب فوق، زوج هم می‌تواند همزمان با رسیدگی به درخواست طلاق، دادخواست اعسار و تقسیط از حقوق مالی زوجه بدهد و هم پس از صدور حکم طلاق، طبق ماده ۲۰ آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده که پس از این نظریه تصویب شده است با تسلیم دادخواست اعسار اعتبار گواهی عدم امکان سازش تا صدور حکم اعسار تداوم پیدا می‌کند.

**نظریه ۷/۹۳/۲۲۰-۱۹۳/۲/۸.ح.ق:** رعایت ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ اعم از اینکه خواهان طلاق زوج یا زوجه باشد، ضروری است و دادگاه در زمان صدور رأی طلاق به درخواست هریک از زوجین می‌باید تکلیف حقوق مالی زوجه (ناشی از روابط زوجیت) را نیز مشخص نماید.

**نظریه ۷/۹۳/۱۶۷-۱۹۳/۲/۲.ح.ق:** مطابق ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ دادگاه باید ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج تکلیف مهریه را نیز تعیین نماید و این امر به معنای تعیین تکلیف نسبت به کل مهریه است و نه جزء آن (۱۱۰ سکه).

**نظریه ۷/۹۳/۱۳۹-۱۹۳/۲/۱.ح.ق:** به دلیل آنکه مفاد رأی دادگاه در اجرای ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ در قسمت حقوق مالی زوجه، حتی اگر زوج خواهان طلاق باشد با توجه به ذیل این ماده، قابلیت صدور اجرائیه به درخواست زوجه را دارد. لذا می‌توان همزمان با رسیدگی به درخواست طلاق از ناحیه زوج و صدور گواهی عدم امکان سازش، به درخواست اعسار زوج از پرداخت یکجای حقوق مالی زوجه از جمله مهریه رسیدگی نمود.

**نظریه ۷/۹۳/۱۳۹-۱۹۳/۲/۱.ح.ق:** تعیین تکلیف حقوق مالی زوجه ضمن رأی راجع به طلاق الزامی است و اصولاً نیاز به مطالبه آن ضمن دادخواست نمی‌باشد. این حکم مقرر در ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ امر جدیدی نیست و قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق نیز به همین نحو بوده است.

**نظریه ۷/۹۳/۲۴۵۴-۱۹۲/۱۲/۲۰.ح.ق:** رعایت ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ اعم از اینکه خواهان طلاق زوج یا زوجه باشد، ضروری است و دادگاه در زمان صدور رأی طلاق به درخواست هریک از زوجین می‌باید تکلیف حقوق مالی زوجه (ناشی از روابط زوجیت) را نیز مشخص نماید و زوجه چه خوانده طلاق باشد، چه خواهان آن، برای دریافت حقوق ناشی از روابط زوجیت خود پس از ثبت طلاق می‌تواند تقاضای صدور اجرائیه نماید.

**نظریه ۷/۹۳/۱۰۸۱-۱۹۲/۶/۵.ح.ق:** با توجه به اینکه حضانت طفل تکلیف ایوبین است بنابراین هیچ یک نمی‌توانند از دیگری بابت حضانت و نگهداری طفل اجرت مطالبه نمایند، خاصه آنکه توافقاتی بر نگهداری از قبل وجود داشته است.

**نظریه ۷/۹۳/۲۳۷۷-۱۹۲/۶/۲۶.ح.ق:** چنانچه ضمن عقد نکاح و یا بعد از آن توافقی فیما بین زوجین به صورت شرط ضمن عقد به عمل آید، معتبر است. در قباله‌های نکاحیه فعلی نیز شرطی به عنوان «بندالف» در همین ارتباط وجود دارد. بنابراین در صورتی که زوج شرط مذکور را در قباله نکاحیه پذیرفته و امضاء نموده باشد و طلاق به درخواست زوجه نبوده و ناشی از تخلف مشارک الیها نباشد، دادگاه به تشخیص خود مقداری از دارایی زوج را که در ایام زناشویی کسب کرده، حداکثر تا معادل نصف آن به زوجه خواهد داد. ضمناً شرط مالی تنصیف دارایی مانع تعیین اجرت المثل نبوده و مستلزم تقدیم دادخواست نیز نمی‌باشد.

**نظریه ۷/۹۳/۱۲۳۸-۱۹۲/۶/۲۴.ح.ق:** طبق ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده، دادگاه در هر حال مکلف است ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد «ز» جمله عند الاستطاعه بودن مهریه» و مندرجات سند نکاحیه تکلیف مهریه را همراه با سایر حقوق زوجه تعیین نماید. ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه خواهد بود، مگر اینکه زوجه بدون دریافت مهریه و سایر حقوق مالی خود به ثبت طلاق رضایت دهد یا اینکه حکم قطعی دایر بر اعسار زوج یا تقسیط محکوم به صادر شود.

**نظریه ۷/۹۳/۱۴۰۸-۱۹۲/۷/۲۲.ح.ق:** رعایت ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ اعم از اینکه خواهان طلاق، زوج یا زوجه باشد ضروری است و دادگاه در زمان صدور رأی طلاق به درخواست هر یک از زوجین می‌باید تکلیف حقوق مالی زوجه (ناشی از روابط زوجیت) را نیز مشخص نماید و زوجه چه خوانده طلاق باشد چه خواهان آن، برای دریافت حقوق ناشی از روابط زوجیت خود پس از ثبت طلاق می‌تواند تقاضای صدور اجرائیه نماید. علیهذا چون مفاد رأی دادگاه در اجرای ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ در قسمت حقوق مالی

## ماده ۳۰- در مواردی که زوجه در دادگاه ثابت کند به امر زوج یا اذن وی از مال خود برای مخارج متعارف زندگی مشترک که برعهده زوج است هزینه

زوجه حتی اگر زوج خواهان طلاق باشد، قابلیت صدور اجرائیه به درخواست زوجه را دارد؛ لذا می‌توان همزمان با رسیدگی به درخواست طلاق از ناحیه زوج و صدور گواهی عدم امکان سازش، به درخواست اعسار زوج از پرداخت دفعتاً واحده حقوق مالی زوجه نیز (از جمله مهریه و نخله) رسیدگی نمود. با اوصاف مزبور مفاد رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوانعالی کشور به شماره ۷۲۲ مورخ ۹۰/۱۰/۱۳ (مندرج در صفحه ۱۹۲۶ جلد دوم مجموعه قوانین ومقررات روزنامه رسمی سال ۱۳۹۰) هم مؤید مراتب مذکور است؛ زیرا زوجه حتی اگر خوانده دعوی طلاق باشد، در مورد حقوق مالی ناشی از روابط زوجیت که می‌باید در گواهی عدم امکان سازش تعیین تکلیف شود، «دائن» می‌باشد. چنانچه مراحل رسیدگی به درخواست اعسار زوج همزمان با تکمیل پرونده مربوط به دادخواست مشارالیه برای طلاق به اتمام رسد و هر دو خواسته (طلاق و اعسار) معدّ صدور رأی شوند، دادگاه می‌تواند ضمن صدور گواهی عدم امکان سازش، حکم پرداخت اقساطی حقوق مالی زوجه توسط زوج را نیز صادر نماید. ضمناً رعایت ضوابط ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ ضروری است.

**نظریه ۷/۹۴/۹۴-۱۳۹۴/۱/۱۹-ح.ق:** زوج می‌تواند در حین رسیدگی به دعوی طلاق چه درخواست طلاق از جانب خودش باشد چه از جانب زوجه (زیرا در هر دو صورت با توجه به ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، زوجه می‌تواند برای دریافت حقوق مالی خود به شرح مندرج در رأی مربوطه، تقاضای صدور اجرائیه نماید)، با توجه به ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و رأی وحدت رویه شماره ۷۲۲-۱۳۹۰/۱۰/۱۳۱۰ دیوان عالی کشور، دادخواست اعسار و تقسیط از حقوق مالی زوجه (مهریه، اجرت‌المثل و...) را به همان دادگاه رسیدگی‌کننده به طلاق بدهد و دادگاه مذکور مکلف به رسیدگی همزمان می‌باشد.

**نظریه ۷/۹۳/۱۱۴۰-۱۳۹۳/۵/۱۸-ح.ق:** ۱- اعمال شرط ضمن‌العقد مشعر بر تنصیف دارایی زوج با تعیین اجرت‌المثل ایام زندگی مشترک زوجه قابل جمع است و هریک دارای مینا و منشاء علیحده می‌باشد. تنصیف دارایی، شرطی است که به عنوان بند «الف» در عقدنامه‌های چاپی جمهوری اسلامی ایران آمده و در صورت امضای آن توسط زوجین، همانگونه که اشاره شد، به عنوان شرط ضمن عقد محسوب می‌گردد، در حالیکه اجرت‌المثل زوجه براساس تبصره الحاقی مصوب ۱۳۸۵ به ماده ۳۳۶ قانون مدنی و با تحقق شرایط مندرج در آن تعیین می‌گردد و ارتباطی به نحوه رفتار زوجه هم ندارد. ۲- شرط اعمال تنصیف دارایی زوج با توجه به بند «الف» مندرج در متن چاپی عقدنامه‌ها، این است که طلاق به درخواست زوجه نبوده و ناشی از تخلف مشارالیها از وظایف زناشویی نباشد. بدیهی است عیوب جسمانی زوجه که می‌تواند ناشی از بیماری یا یک عارضه طبیعی و غیرارادی باشد، مانع اعمال شرط مزبور نیست.

**نظریه ۷/۹۴/۱۶۵-۱۳۹۴/۱/۲۵-ح.ق:** طبق مواد ۱۲ و بعد قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، زوجه نیز می‌تواند دادخواست طلاق به جهات شرعی و قانونی به دادگاه تقدیم نماید و طبق ماده ۲۹ این قانون چنانچه بتواند حکم طلاق اخذ نموده و به مرحله اجرا برسد، می‌تواند بدون صرف نظر کردن از مهریه و جهیزیه و اجرت‌المثل، رأی طلاق را اجرا و پس از آن برای مطالبه حقوق مذکور از طریق اجرای احکام اقدام نماید. ولی در طلاق خلع، نفقه ایام عده به زوجه تعلق نمی‌گیرد. نخله نیز در مواردی که زوجه متقاضی طلاق است به وی تعلق نمی‌گیرد.

**نظریه ۷/۹۳/۴۶۷-۱۳۹۳/۲/۳۱-ح.ق:** طبق ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱/۱۰/۱۳۹۱، اجرت‌المثل ایام زوجیت بر اساس تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی تعیین می‌گردد. بنابراین تعیین آن ربطی به نحوه رفتار زوج ندارد.

کرده و زوج نتواند قصد تبرع زوجه را اثبات کند، می‌تواند معادل آن را از وی دریافت نماید.<sup>۱</sup>

**ماده ۳۱-** ارائه گواهی پزشکی ذی صلاح درمورد وجود جنین یا عدم آن برای ثبت طلاق الزامی است، مگر آنکه زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند.<sup>۲</sup>

**ماده ۳۲-** در مورد حکم طلاق، اجرای صیغه و ثبت آن حسب مورد منوط به انقضای مهلت فرجام خواهی یا ابلاغ رأی فرجامی است.

**ماده ۳۳-** مدت اعتبار حکم طلاق شش ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی است. هرگاه حکم طلاق از سوی زوجه به دفتر رسمی ازدواج و طلاق تسلیم شود، در صورتی که زوج ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ مراتب در دفترخانه حاضر نشود، سردفتر به زوجین ابلاغ می‌کند برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه حاضر شوند. در صورت عدم حضور زوج و عدم اعلام عذر از سوی وی یا امتناع او از اجرای صیغه، صیغه طلاق جاری و ثبت می‌شود و مراتب به زوج ابلاغ می‌گردد. در صورت اعلام عذر از سوی زوج،

۱- نظریه ۷/۹۳/۶۲۴-۱۹۳/۳/۲۰-۱۹۳/۳/۲۰.ح.ق: اولاً- بقاء بند ب تبصره ۶ اصلاحی ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق به معنای این است که در موارد شمول تبصره مذکور به جز مورد مندرج در بند الف، به زوجه نخله تعلق می‌گیرد، بنابراین استحقاق نخله در صورتی است که اولاً در خصوص امور مالی ضمن عقد نکاح یا عقد خارج لازم شرط نشده باشد، ثانیاً طلاق به درخواست زوجه نباشد، ثالثاً تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد. ثانیاً- اگر زوجه درخواست اجرت المثل نماید، ولی مستحق آن نباشد، یعنی ثابت شود کارهایی را که در طول زندگی مشترک انجام داده به خواست و دستور زوج نبوده و یا این که با قصد تبرع بوده است و از طرفی سایر شرایط تحقق نخله با توجه به موارد یاد شده محقق باشد، در این صورت دادگاه می‌تواند جهت تعیین نخله برای زوجه اقدام نماید، گرچه زوجه فقط درخواست اجرت المثل نموده است.

۲- نظریه ۷/۹۳/۵۸۴-۱۹۳/۳/۱۳-۱۹۳/۳/۱۳.ح.ق: ماده ۳۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که ارائه گواهی پزشکی ذی صلاح را در مورد وجود یا عدم وجود جنین برای ثبت طلاق الزامی می‌داند، ناظر به زمانی است که امکان آن فراهم باشد. بنابراین در صورتی که زوجه اقدامی جهت تست بارداری به عمل نمی‌آورد، این امر مانع اقدامات قضایی و نیز ثبت طلاق نمی‌باشد. همچنین در صورتی که زوجه یائسه یا غیر مدخوله باشد و این امر بر دادگاه محرز گردد، مرجع مذکور می‌تواند با قطع بر عدم وجود جنین، زوجه را از معرفی به پزشکی قانونی برای انجام تست بارداری معاف نماید.

نظریه ۷/۹۳/۴۲۱-۱۹۳/۳/۲۸-۱۹۳/۳/۲۸.ح.ق: دادگاه با قطع بر عدم وجود جنین (مثلاً یائسه یا غیرمدخوله بودن زوجه)، می‌تواند زوجه را از معرفی به پزشکی قانونی برای انجام تست بارداری معاف نماید. مقررات ماده ۳۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، منصرف از مواردی است که اساساً فرض وجود جنین منتفی است.

یک نوبت دیگر به ترتیب مذکور از طرفین دعوت به عمل می‌آید.  
تبصره- دادگاه صادرکننده حکم طلاق باید در رأی صادرشده بر نمایندگی سردفتر در اجرای صیغه طلاق در صورت امتناع زوج تصریح کند.<sup>۱</sup>

**ماده ۳۴-** مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش برای تسلیم به دفتر رسمی ازدواج و طلاق سه ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی است. چنانچه گواهی مذکور ظرف این مهلت تسلیم نشود یا طرفی که آن را به دفترخانه رسمی طلاق تسلیم کرده است ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم در دفترخانه حاضر نشود یا مدارک لازم را ارائه نکند، گواهی صادرشده از درجه اعتبار ساقط است.

**تبصره-** هرگاه گواهی عدم امکان سازش صادرشده بر اساس توافق زوجین به حکم قانون از درجه اعتبار ساقط شود کلیه توافقاتی که گواهی مذکور بر مبنای آن صادر شده است ملغی می‌گردد.<sup>۲</sup>

۱- نظریه ۷/۹۳/۱۲۵- ۹۳/۱/۳۱.ح.ق: منظور از «حکم طلاق» مذکور در ماده ۳۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱ با توجه به مواد ۲۶ و ۳۳ و ۳۴ این قانون حکم الزام زوج به طلاق است و شامل گواهی عدم امکان سازش نمی‌شود زیرا قانونگذار در ماده ۲۶ و سایر مواد، هیچ‌گاه به گواهی مزبور، «حکم طلاق» اطلاق نکرده است و در ماده ۳۴ مبداء مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش را تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی دانسته ولی در ماده ۳۳ مبداء مدت اعتبار حکم طلاق را، از تاریخ ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی قرار داده است.

۲- نظریه ۷/۹۳/۷۸۶- ۹۳/۴/۷.ح.ق: الف- طرح دعوی اعسار از ناحیه زوج، قاطع مهلت سه ماهه اعتبار گواهی عدم امکان سازش یا موجب تمدید این مهلت نمی‌شود. (به موجب ماده ۲۰ آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که پس از این نظریه تصویب شده است، طرح دادخواست اعسار قاطع مهلت سه ماهه خواهد بود به شرط آنکه گواهی ارائه دادخواست اعسار به همراه گواهی عدم امکان سازش در مهلت سه ماهه به دفترخانه ارائه شده باشد). ب- حکم صادره در مورد اعسار، موجب اعتبار بخشیدن به گواهی عدم امکان سازش که مهلت سه ماهه قانونی آن منقضی شده، نمی‌شود.

نظریه ۷/۹۳/۱۱۹۰- ۹۲/۶/۲۰.ح.ق: گواهی عدم امکان سازش با توجه به مواد ۳۳ و ۳۴ قانون حمایت خانواده قابل فرجام خواهی نیست و فقط قابل تجدیدنظر است در حالی که حکم طلاق قابل فرجام خواهی است.

نظریه ۷/۹۳/۱۳۸۸- ۹۲/۷/۲۰.ح.ق: الف- چنانچه گواهی عدم امکان سازش ظرف مهلت قانونی توسط هیچ یک از زوجین به دفتر رسمی طلاق تسلیم نشود، همانطور که در ماده ۳۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ آمده، گواهی صادر شده از درجه اعتبار ساقط است و بر اساس تبصره ماده قانونی مذکور کلیه توافقاتی که گواهی عدم امکان سازش بر مبنای آن صادر شده است، ملغی می‌گردد. ب- به موجب ماده ۳۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، هرگاه زوج در مهلت مقرر به دفتر رسمی طلاق مراجعه و گواهی عدم امکان سازش را تسلیم کند ولی زوجه ظرف یک هفته پس از اخطار در دفترخانه حاضر نشود، سردفتر ضمن رعایت مفاد تبصره این ماده صیغه طلاق را جاری و پس از ثبت به وسیله دفترخانه مراتب به اطلاع زوجه می‌رسد. بدیهی است حقوق و وجوهی که وفق

**ماده ۳۵-** هرگاه زوج در مهلت مقرر به دفتر رسمی ازدواج و طلاق مراجعه و گواهی عدم امکان سازش را تسلیم کند، در صورتی که زوجه ظرف یک هفته در دفترخانه حاضر نشود سردفتر به زوجین اخطار می‌کند برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه حاضر شوند. در صورت عدم حضور زوجه صیغه طلاق جاری و پس از ثبت به وسیله دفترخانه مراتب به اطلاع زوجه می‌رسد.

**تبصره-** فاصله بین ابلاغ اخطاریه و جلسه اجرای صیغه در این ماده و ماده (۳۴) این قانون نباید از یک هفته کمتر باشد. در مواردی که زوج یا زوجه مجهول‌المنان باشند، دعوت از شخص مجهول‌المنان از طریق نشر آگهی در جراید کثیر الانتشار یا هزینه درخواست کننده به وسیله دفترخانه به عمل می‌آید.<sup>۱</sup>

گواهی عدم امکان سازش مربوطه، زوج مکلف به پرداخت آن‌ها در حق زوجه در قبال طلاق می‌باشد، قبل از اجرای صیغه طلاق می‌باید به حساب سپرده ای که وفق مقررات، سردفتر طلاق اعلام می‌نماید توسط زوج پرداخت شود و در صورت صدور حکم اعسار یا تقسیط زوج، مطابق آن اقدام می‌گردد. ج- هرگاه گواهی عدم امکان سازش بنابر توافق زوجین صادر شده باشد، حسب ماده ۳۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، در صورتی که زوجه بنابر اعلام دادگاه صادرکننده گواهی مزبور و یا به موجب سند رسمی در اجرای صیغه طلاق وکالت بلاعزل داشته باشد، عدم حضور زوج مانع اجرای صیغه طلاق و ثبت آن نیست.

۱- نظریه شماره ۷/۹۳/۱۹۲ مورخ ۱۹۳/۲/۶.ح.ق: با توجه به اینکه در ماده ۳۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ از عبارت «گواهی عدم امکان سازش» به طور مطلق استفاده شده است بنابراین هم شامل طلاق توافقی و هم طلاق به درخواست زوج می‌باشد.

**نظریه ۷/۹۲/۲۳۱۲ - ۱۹۲/۱۲/۵.ح.ق:** در خصوص چگونگی اعمال ماده ۳۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در فرض عدم حضور زوجه در دفترخانه، موارد زیر قابل ذکر است:

اولاً- با توجه به اطلاق ماده ۳۵ قانون فوق‌الذکر، مقررات این ماده قانونی شامل گواهی عدم امکان سازش با هر نوع منشائی می‌باشد، خواه ناشی از طلاق توافقی بوده، خواه ناشی از درخواست طلاق از ناحیه زوج باشد. به علاوه توافق در طلاق نمی‌تواند معنایی جز این داشته باشد که زوجین اعلام داشته‌اند هر دو متقاضی طلاق می‌باشند و دادگاه با رعایت کلیه مقررات مربوطه، گواهی عدم امکان سازش صادر می‌کند.

ثانیاً- وفق نص ماده ۳۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در صورتی که زوجه ظرف یک هفته در دفترخانه حاضر نشود، سردفتر به زوجین اخطار می‌کند برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه، حاضر شوند، در صورت عدم حضور زوجه، صیغه طلاق جاری و پس از ثبت بوسیله دفترخانه، مراتب به اطلاع زوجه می‌رسد. ثالثاً- در مورد چگونگی پرداخت حق و حقوق زوجه با وصف امتناع وی از حضور در دفتر رسمی طلاق، با عنایت به ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، از آنجائی که دادگاه ضمن رأی خود در مورد طلاق زوجین آکه شامل حکم و گواهی عدم امکان سازش، هر دو می‌گردد، مکلف است تکلیف کلیه حق و حقوق زوجه را نیز مشخص نماید بنابراین این اجرا و ثبت طلاق در فرض مورد نظر (عدم حضور زوجه در دفترخانه) منوط به سپردن کلیه حق و حقوق زوجه وفق رأی دادگاه، توسط زوج به حساب سپرده امانی است که مطابق مقررات، از سوی



**ماده ۳۶-** هرگاه گواهی عدم امکان سازش بنا بر توافق زوجین صادر شده باشد، در صورتی که زوجه بنا بر اعلام دادگاه صادرکننده رأی و یا به موجب سند رسمی در اجرای صیغه طلاق وکالت بلاعزل داشته باشد، عدم حضور زوج، مانع اجرای صیغه طلاق و ثبت آن نیست.<sup>۱</sup>

**ماده ۳۷-** اجرای صیغه طلاق با رعایت جهات شرعی در دفترخانه یا در محل دیگر و با حضور سردفتر انجام می‌گیرد.

**ماده ۳۸-** در طلاق رجعی، صیغه طلاق مطابق مقررات مربوط جاری و مراتب صورتجلسه می‌شود ولی ثبت طلاق منوط به ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده است، مگر این که زن رضایت به ثبت داشته باشد. در صورت تحقق رجوع، صورتجلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع صورتجلسه تکمیل و طلاق ثبت می‌شود. صورتجلسه تکمیل شده به امضای سردفتر، زوجین یا نمایندگان آنان و دو شاهد طلاق می‌رسد. در صورت درخواست زوجه، گواهی اجرای صیغه طلاق و عدم رجوع زوج به وی اعطاء می‌شود. در هر حال در صورت انقضای مدت عده و عدم احراز رجوع، طلاق ثبت می‌شود.

**ماده ۳۹-** در کلیه موارد، قطعی و قابل اجراء بودن گواهی عدم امکان سازش

دفترخانه اعلام می‌گردد و در صورت صدور حکم تقسیط یا اعسار زوج، مطابق آن اقدام می‌شود.

۱- نظریه ۷/۹۲/۸۰۶-۱۹۳/۴/۸ ح.ق: با توجه به فرض استعلام مبنی بر صدور گواهی عدم امکان سازش پس از درخواست طلاق توافقی از سوی زوجین و متعاقباً عدم حضور زوج در دفترخانه جهت اجرای طلاق، در خصوص تکلیف اجرای گواهی مزبور، دو حالت متصور است: الف- در صورتی که زوجه بنا بر اعلام دادگاه صادرکننده گواهی عدم امکان سازش یا به موجب سند رسمی (از جمله سند نکاحیه رسمی)، در اجرای صیغه طلاق وکالت بلاعزل داشته باشد، با توجه به ماده ۳۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، عدم حضور زوج، مانع اجرای صیغه طلاق و ثبت آن نیست. ب- در صورتی که زوجه فاقد وکالت از سوی زوج جهت اجرای طلاق باشد، با عنایت به مفهوم مخالف ماده قانونی صدرالذکر، نمی‌توان زوج را مجبور به طلاق نمود و به علاوه دادگاه هم نمی‌تواند نماینده به دفترخانه معرفی نماید و در این صورت چنین گواهی عدم امکان سازشی با مَضی مهلت مقرر قانونی از درجه اعتبار ساقط است.

نظریه ۷/۹۲/۱۵۱۹-۱۹۲/۸/۱۳ ح.ق: با توجه به ماده ۳۶ قانون یاد شده در طلاق توافقی که منجر به صدور گواهی عدم امکان سازش گردیده چنانچه زوج از توافق عدول نماید و نخواهد زوجه را طلاق دهد، نمی‌توان وی را مجبور به طلاق نمود ولی در مورد زوجه که دادخواست با تقاضا توافق وی با زوج تنظیم گردیده و گواهی صادره نیز در موعد مقرر قانونی تسلیم دفترخانه گردیده، عدم حضور وی تأثیری در اجرای صیغه طلاق ندارد.

یا حکم طلاق باید از سوی دادگاه صادرکننده رأی نخستین گواهی و همزمان به دفتر رسمی ازدواج و طلاق ارائه شود.

### فصل پنجم: حضانت و نگهداری اطفال و نفقه

**ماده ۴۰-** هرکس از اجرای حکم دادگاه در مورد حضانت طفل استنکاف کند یا مانع اجرای آن شود یا از استرداد طفل امتناع ورزد، حسب تقاضای ذی‌نفع و به دستور دادگاه صادرکننده رأی نخستین تا زمان اجرای حکم بازداشت می‌شود.<sup>۱</sup>

**ماده ۴۱-** هرگاه دادگاه تشخیص دهد توافقات راجع به ملاقات، حضانت، نگهداری و سایر امور مربوط به طفل برخلاف مصلحت او است یا در صورتی که مسؤول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند و یا مانع ملاقات طفل تحت حضانت با اشخاص ذی حق شود، می‌تواند در خصوص اموری از قبیل واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با پیش بینی حدود نظارت وی با رعایت مصلحت طفل تصمیم مقتضی اتخاذ کند.

۱- نظریه ۷/۹۲/۴۶۵ - ۱۹۲۲/۲/۳۱ ح.ق: ضمانت اجرای مندرج در ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ مختص «حکم» است و به دستور موقت که در قالب «قرار» صادر می‌شود، تسری ندارد.  
نظریه ۷/۹۲/۱۲۷۰ - ۹۲/۶/۳۱ ح.ق: «بازداشت» قید شده در ماده ۴۰ قانون صدرالذکر بصورت «دستورقضایی» است که با رعایت شرایط مذکور در این ماده صادر می‌گردد و غایت زمانی آن، لغایت مرتفع شدن علت بازداشت، با توجه به مفاد ماده قانونی مذکور است.

نظریه ۷/۹۲/۸۱۶ - ۹۲/۵/۱ ح.ق: اولاً- با توجه به اطلاق ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی، ازدواج موقت هم مانند ازدواج دائم موجب سلب حضانت مادر می‌باشد و این ماده نسخ نشده است ولی در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که مصلحت طفل اقتضاء دارد که حضانتش به مادر سپرده شود، با توجه به مواد ۴۰ به بعد قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱ می‌تواند حضانت را به مادر طفل بدهد و سلب حق حضانت موضوع ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی، به معنی منع حضانت و سلب صلاحیت مادر نیست و با وجود صراحت قانون، موردی برای رجوع به فتوی نیست. ثانیاً- مطابق ماده ۵۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱، هرگاه مسؤول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود به مجازات مقرر در ماده مذکور محکوم می‌شود و این مورد از شمول ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، خارج است و رسیدگی به آنچه که در قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱ ذکر شده به اعتقاد این کمیسیون در صلاحیت دادگاه خانواده است.

نظریه شماره ۷/۹۲/۱۲۶۱ - ۹۲/۶/۳۰ ح.ق: هرچند به موجب ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی، ازدواج مادر موجب سلب حضانت وی نسبت به فرزند می‌گردد ولی مستنداً به مواد ۴۰ به بعد قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که مصلحت طفل اقتضاء دارد که حضانتش به مادر سپرده شود، می‌تواند حضانت را به مادر طفل بدهد.

**تبصره -** قوه قضائیه مکلف است برای نحوه ملاقات والدین با طفل ساز و کار مناسب با مصالح خانواده و کودک را فراهم نماید.  
 آیین‌نامه اجرائی این ماده ظرف شش ماه توسط وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضائیه می‌رسد.<sup>۱</sup>

**ماده ۴۲ -** صغیر و مجنون را نمی‌توان بدون رضایت ولی، قیم، مادر یا شخصی که حضانت و نگهداری آنان به او واگذار شده است از محل اقامت مقرر بین طرفین یا محل اقامت قبل از وقوع طلاق به محل دیگر یا خارج از کشور فرستاد، مگر اینکه دادگاه آن را به مصلحت صغیر و مجنون بداند و با درنظر گرفتن حق ملاقات اشخاص ذی‌حق این امر را اجازه دهد. دادگاه در صورت موافقت با خارج کردن صغیر و مجنون از کشور، بنابر درخواست ذی‌نفع، برای تضمین بازگرداندن صغیر و مجنون تأمین مناسبی اخذ می‌کند.<sup>۲</sup>

۱- نظریه ۷/۹۲/۲۳۳۵-۱۹۲/۱۲/۷.ح.ق: اولاً- اصولاً اجرای قانون یا موادی از آن منوط به تصویب آیین‌نامه اجرائی آن نیست مگر اینکه در خود قانون تصریح شده باشد. ثانیاً- مسائل مربوط به حضانت، به صیانت، امنیت و سلامت طفل مربوط است و اجرای مفاد ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ قابلیت تعطیلی تا تصویب آیین‌نامه را ندارد بنابراین تا پیش از تصویب آیین‌نامه نیز قابلیت اجرا دارد.

نظریه ۷/۹۲/۱۳۱۹-۱۹۲/۷/۷.ح.ق: چنانچه اشخاص مصرح در ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی، متقاضی حضانت طفل یا ملاقات با طفل نباشند یا دادگاه به طرق مقتضی از موارد مصرح در ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ مطلع شود، در این حالت بدون نیاز به تقدیم دادخواست، دادگاه خانواده می‌باید رأساً رسیدگی و تعیین تکلیف نماید و لیکن چنانچه اشخاص مصرح در ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی متقاضی حضانت طفل یا ملاقات طفل باشد و مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر قانونی، خودداری نماید و یا مانع ملاقات طفل تحت حضانت با اشخاص ذی‌حق شود در این صورت رسیدگی دادگاه خانواده به موارد مصرح در ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، مستلزم تقدیم دادخواست است.

نظریه ۷/۹۲/۶۲۸-۱۹۲/۴/۸.ح.ق: برابرص ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۹۱ در صورتی که مسئول حضانت از انجام وظایف و تکالیف مقرر خودداری کند دادگاه می‌تواند در خصوص اموری از قبیل واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با پیش‌بینی حدود نظارت وی با رعایت مصلحت طفل تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. برابر ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی نیز دادگاه به تقاضای اقربای طفل یا قیم یا دادستان هر تصمیمی که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ می‌کند بنابر این سپردن حضانت طفل به امین منضم به ولی قهری در موارد مذکور در این ماده بلامانع است.

۲- نظریه ۷/۹۲/۲۳۰۶-۱۹۲/۱۲/۵.ح.ق: اولاً؛ با توجه به سیاق عبارات به کار گرفته شده در ماده ۴۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و به ویژه عبارت: «درخواست ذی‌نفع» و «تأمین مناسبی اخذ می‌کند»، به نظر می‌رسد تأمین می‌تواند هر مالی اعم از منقول یا غیرمنقول یا وجه نقد باشد. ثانیاً؛ احکام ناظر بر تأمین مأخوذه از حیث «ضمانت و نحوه اجرای آن»، تابع قواعد عمومی حاکم بر تعهدات مدنی است و احراز تخلف متعهد و مسئولیت وی و پرداخت خسارات، نیازمند طرح دعوی جداگانه از سوی ذی‌نفع و اثبات مراتب در دادگاه ذی

**ماده ۴۳-** حضانت فرزندی که پدرشان فوت شده با مادر آنها است مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد.<sup>۱</sup>

ربط است. ضمناً با توجه به ماده ۸ قانون فوق الذکر، رسیدگی دادگاه خانواده فاقد تشریفات آیین دادرسی مدنی است. ثالثاً؛ از آنجائیکه در ماده ۴۲ فوق الذکر عنوان شده که دادگاه با در نظر گرفتن «حق ملاقات اشخاص ذی حق» و در صورت صلاحدید، اجازه خروج از کشور طفل یا مجنون را می‌دهد، بنابراین در صورت اذن در خروج، به نظر می‌رسد باید مدتی برای آن از سوی دادگاه تعیین شود. رابعاً؛ با توجه به ماده ۴۲ مورد بحث اذن خروج صغیر یا مجنون بنا به درخواست ذی نفع صورت می‌گیرد و نیاز به تقدیم دادخواست ندارد و اگر ضمن پرونده حضانت و نگهداری و ملاقات نیز به عمل آید، با منعی مواجه نیست.

**نظریه ۷/۹۲/۱۹۶۷-۱۳۹۲/۱۰/۹.ح.ق:** ۱- در خصوص فرزندی که به سن بلوغ شرعی رسیده اند ولی هنوز به سن رشد (هجده سالگی) نرسیده اند، مقررات قانون گذرنامه حاکمیت دارد. ۲ و ۳- همانگونه که از مفاد ماده ۴۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ مشخص است، در صورت عدم رضایت ولی، قیم، مادر یا شخصی که حضانت و نگهداری صغیر و مجنون به او واگذار شده، مجوز دادگاه جهت خروج از کشور صغیر یا مجنون لازم است. ۴- با توجه به اینکه قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ مؤخر بر قانون گذرنامه مصوب ۵۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن می‌باشد، در خصوص صغار و مجانین، دادگاه خانواده به صراحت ماده ۴۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، مقام صالح برای صدور مجوز خروج از کشور اشخاص مذکور است. ۵- با توجه به منطوق بند ۱۰ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، خواهان در دعوی مطروحه باید ذی نفع باشد که تشخیص آن به عهده دادگاه است؛ در غیر این صورت قبل از ورود به ماهیت، دعوی از حیث شکلی مردود اعلام می‌گردد. ۶- مادر یا شخص دیگری که به حکم دادگاه عهده دار حضانت فرزند است، می‌تواند نسبت به ممنوع الخروجی فرزند اقدام کند تا ولی قهری نتواند بدون رضایت ایشان، نسبت به خروج فرزند اقدام نماید.

**نظریه ۷/۹۴/۱۵۵-۱۳۹۴/۱۰/۲۵.ح.ق:** ۱- چنانچه زوجه توسط زوج با رعایت مواد قانونی مربوط. ممنوع‌الخروج شده باشد یعنی زوجه مشمول استثنائات مندرج در ماده ۱۸ قانون گذرنامه نبوده و این امر مد نظر مقام ممنوع‌الخروج کننده قرار گرفته باشد، در این صورت دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه زوجه، مقامی است که در صورت احراز اضطراب زوجه برای خروج از کشور (ولو در صورت مخالفت زوج) می‌تواند اجازه را صادر نماید ۲- باتوجه به عموم و اطلاق الحاکم ولی الممتنع و نیز با عنایت به ماده ۴۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، مرجع تصمیم‌گیری در خصوص موضوع خروج طفل در معیت مادرش، دادگاه خانواده می‌باشد.

**نظریه ۷/۹۳/۱۵۹-۱۳۹۳/۵/۱۸.ح.ق:** اولاً؛ با توجه به ماده ۴۲ قانون حمایت خانواده ۹۱، امور مربوط به اجازه خروج فرزند صغیر یا مجبور از کشور از جمله اخذ تأمین موضوع ماده قانونی یاد شده در پرونده ای از دادگاه خانواده مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که قبلاً نسبت به حضانت و به تبعیت آن، ملاقات فرزند مزبور تعیین تکلیف نموده است. ثانیاً؛ با توجه به سیاق عبارات بکار رفته در ماده قانونی صدرالذکر، به نظر می‌رسد «تأمین» می‌تواند هر مالی اعم از منقول و غیرمنقول یا وجه نقد باشد. ثالثاً؛ احکام ناظر بر تأمین مآخوذه از حیث ضمانت و نحوه اجرای آن، تابع قواعد عمومی حاکم بر تعهدات مدنی است و در صورت ادعای ذی نفع مبنی بر تخلف متعهد از حیث برگشت ندادن صغیر یا مجبور در مدت تعیین شده توسط دادگاه، احراز آن نیازمند طرح دعوی جداگانه از سوی ذی نفع و اثبات مراتب در آن دادگاه است.

۱- **نظریه ۷/۹۲/۱۸۴۸-۱۳۹۲/۹/۲۳.ح.ق:** طبق ماده ۴۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ حضانت فرزندی که پدر آن‌ها فوت شده باشد با مادر است. چنانچه مادر ازدواج نماید و دادگاه خانواده اعطای حضانت به مادر را

**ماده ۴۴-** در صورتی که دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸، ملزم به تسلیم یا تملیک اموالی به صغیر یا سایر محجوران باشند، این اموال با تشخیص دادستان در حدود تأمین هزینه‌های متعارف زندگی باید در اختیار شخصی قرار گیرد که حضانت و نگهداری محجور را عهده‌دار است، مگر آنکه دادگاه به نحو دیگری مقرر کند.

**ماده ۴۵-** رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرائی الزامی است.<sup>۱</sup>

**ماده ۴۶-** حضور کودکان زیر پانزده سال در جلسات رسیدگی به دعاوی خانوادگی جز در موارد ضروری که دادگاه تجویز می‌کند ممنوع است.

**ماده ۴۷-** دادگاه در صورت درخواست زن یا سایر اشخاص واجب‌النفقه، میزان و ترتیب پرداخت نفقه آنان را تعیین می‌کند.

**تبصره-** در مورد این ماده و سایر مواردی که به موجب حکم دادگاه باید وجوهی به‌طور مستمر از محکوم‌علیه وصول شود یک بار تقاضای صدور اجرائیه کافی است و عملیات اجرائی مادام که دستور دیگری از دادگاه صادر نشده باشد ادامه می‌یابد.<sup>۲</sup>

خلاف مصلحت فرزند باندن به تقاضای ولی قهری یا دادستان حضانت را به ولی قهری طفل واگذار خواهد کرد و چنانچه مصلحت قابل تشخیص نباشد حق حضانت مادر استصحاب می‌شود.

۱- نظریه شماره ۷/۹۳/۳۹۹-۱۹۳/۲/۲۴ ح.ق: اولاً- در خصوص «حضانت فرزند بالغ کمتر از هجده سال»، مستنداً به ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و رأی وحدت رویه دیوانعالی کشور به شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳، با رسیدن طفل به سن بلوغ شرعی که در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است، موضوع حضانت (امر غیر مالی) منتفی است و فرد بالغ (پس از بلوغ شرعی) می‌تواند با هریک از والدین یا اجداد خود که بخواهد، زندگی نماید. ثانیاً- در مورد «ملاقات فرزند بالغ کمتر از هجده سال»، با عنایت به منطوق ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، چنانچه مصلحت و غبطه کودک یا نوجوان ایجاب کند، صدور حکم ملاقات چنین فرزندی با هر یک از والدین و تهیه الزامات آن توسط طرف دیگر بلاشکال است و احراز این امر با دادگاه است.

نظریه ۷/۹۳/۲۰۹-۱۹۳/۲/۷ ح.ق: با عنایت به منطوق ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، چنانچه مصلحت و غبطه کودک ایجاب کند، صدور حکم ملاقات کودک با مادر و تهیه الزامات آن توسط پدر، بلاشکال است و احراز این امر با دادگاه می‌باشد.

۲- نظریه ۷/۹۲/۲۷۸-۱۹۲/۲/۱۶ ح.ق: با توجه به تبصره ذیل ماده ۴۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱ که از تاریخ ۹۲/۲/۷ لازم‌الاجرا گردیده است همان دادگاهی که رأی به تقسیط داده است می‌تواند دستور وصول اقساط آن را صادر نماید.

نظریه ۷/۹۳/۱۵۳۰-۱۳۹۳/۶/۳۱ ح.ق: ماده ۴۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مقرر می‌دارد:

### فصل ششم: حقوق وظیفه و مستمری

**ماده ۴۸-** میزان حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم متوفی و فرزندان و سایر وراث قانونی وی و نحوه تقسیم آن در تمام صندوق‌های بازنشستگی اعم از کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های خاص به ترتیب زیر است:

۱- زوجه دائم متوفی از حقوق وظیفه یا مستمری وی برخوردار می‌گردد و ازدواج وی مانع دریافت حقوق مذکور نیست و در صورت فوت شوهر بعدی و تعلق حقوق به زوجه در اثر آن، بیشترین مستمری ملاک عمل است.

**تبصره-** اگر متوفی چند زوجه دائم داشته باشد حقوق وظیفه یا مستمری به تساوی بین آنان و سایر وراث قانونی تقسیم می‌شود.

۲- دریافت حقوق بازنشستگی یا از کارافتادگی، مستمری از کارافتادگی یا بازنشستگی حسب مورد توسط زوجه متوفی مانع از دریافت حقوق وظیفه یا مستمری متوفی نیست.

۳- فرزندان اناث در صورت نداشتن شغل یا شوهر و فرزندان ذکور تا سن بیست سالگی و بعد از آن منحصراً در صورتی که معلول از کار افتاده نیازمند باشند یا اشتغال به تحصیلات دانشگاهی داشته باشند حسب مورد از کمک هزینه اولاد، بیمه و مستمری بازماندگان یا حقوق وظیفه والدین خود برخوردار می‌گردند.

۴- حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم و فرزندان و سایر وراث قانونی کلیه کارکنان شاغل و بازنشسته مطابق ماده (۸۷) قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱ و اصلاحات بعدی آن و با لحاظ ماده (۸۶) همان قانون و اصلاحیه‌های بعدی آن، تقسیم و پرداخت می‌گردد.

**تبصره-** مقررات این ماده در مورد افرادی که قبل از اجراء شدن این قانون فوت شده‌اند نیز لازم الاجراء است.

---

«دادگاه در صورت درخواست زن یا سایر اشخاص واجب‌النفقة، میزان و ترتیب پرداخت نفقه آنان را تعیین می‌کند...» بنابراین هرگاه حکم دادگاه در اجراء ماده یادشده، صادر شده باشد، باید طبق دستور دادگاه به میزانی که مقرر کرده است از حقوق کارمند کسر شود و این امر از شمول ماده ۹۶ قانون اجراء احکام مدنی خارج است.

## فصل هفتم: مقررات کیفری

**ماده ۴۹-** چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنجم و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.<sup>۱</sup>

**ماده ۵۰-** هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به موافقه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنجم و اگر به موافقه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود.

**تبصره-** هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.

۱- نظریه ۷/۹۳/۶۶۴-۱۹۳/۳/۲۵.ح.ق: جرائم کیفری مذکور در مواد ۴۹ به بعد قانون حمایت خانواده، وفق عمومات مقررات آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری رسیدگی می‌شود و دادگاههای حمایت خانواده موضوع قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ گر چه هنوز تشکیل نشده اند، ولی پس از تشکیل نیز در حدود صلاحیت‌های مقرر قانونی مذکور در ماده ۴ همان قانون، صلاحیت رسیدگی دارند.

**نظریه ۷/۹۳/۱۱۳۹-۹۳/۲/۱.ح.ق:** اقدام به ازدواج دائم بدون ثبت آن خواه ازدواج اول باشد یا دوم، واجد وصف کیفری است و زوج از این جهت تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرد، اما از آنجائیکه برابر قانون، ثبت ازدواج دائم در هر حال الزامی است، وجود ضمانت اجرای کیفری مزبور، مانع حکم به ثبت چنین ازدواجی نمی‌باشد.

**نظریه ۷/۹۳/۲۰-۱۹۳/۱/۱۶.ح.ق:** اقدام به ازدواج دائم بدون ثبت آن خواه ازدواج اول باشد یا دوم، واجد وصف کیفری است و زوج از این جهت تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرد، اما از آنجایی که برابر قانون، ثبت ازدواج دائم در هر حال الزامی است، وجود ضمانت اجرای کیفری مزبور، مانع حکم به ثبت چنین ازدواجی نمی‌باشد.

**نظریه ۷/۹۳/۲۱۸۹-۱۹۲/۱۱/۱۶.ح.ق:** به طور کلی موادی از قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ که به موجب قوانین بعدی نسخ نشده و شورای محترم نگهبان هم خلاف شرع بودن آن‌ها را اعلام ننموده ویا قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نیز مغایرتی ندارد، از جمله ماده ۱۶ آن در خصوص اخذ اجازه ازدواج مجدد از دادگاه به قوت واعتبار خود باقی است.

**ماده ۵۱-** هر فرد خارجی که بدون اخذ اجازه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی و یا بر خلاف سایر مقررات قانونی با زن ایرانی ازدواج کند به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شود.

**ماده ۵۲-** هرکس در دادگاه زوجیت را انکار کند و سپس ثابت شود این انکار بی‌اساس بوده است یا برخلاف واقع با طرح شکایت کیفری یا دعوی حقوقی مدعی زوجیت با دیگری شود به حبس تعزیری درجه شش و یا جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

این حکم در مورد قائم مقام قانونی اشخاص مذکور نیز که با وجود علم به زوجیت، آن را در دادگاه انکار کند یا علی‌رغم علم به عدم زوجیت با طرح شکایت کیفری یا دعوی حقوقی مدعی زوجیت گردد، جاری است.

**ماده ۵۳-** هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقة امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.

**تبصره-** امتناع از پرداخت نفقه زوجه‌ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است.<sup>۱</sup>

۱- نظریه ۷/۹۲/۲۲۱۱-۱۹/۱۱/۹۲.ح.ق: تمکین عام (نه خاص) از سوی زوجه، موجب اسقاط حق وی به شرح مندرج در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی (حق حبس) نمی‌گردد و رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸-۹۰/۲/۱۳ هیأت عمومی دیوانعالی کشور، مغایرتی با این نظر ندارد. ضمن آنکه قانون حمایت خانواده استنادی مصوب ۱۳۹۱ و مؤخر بر تاریخ صدور رأی وحدت رویه مزبور است.

نظریه ۷/۹۲/۲۹۰۲-۱۳۹۳/۱۱/۲۰.ح.ق: اولاً- رسیدگی به جرائم موضوع فصل هفتم قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ وفق عموماً آیین دادرسی کیفری و علی‌الاصول در دادگاه عمومی (کیفری) رسیدگی می‌شود، زیرا صلاحیت دادگاه خانواده که امری استثنایی و مستلزم تفسیر به قدر متیقن است، منحصر به موارد ۱۸ گانه مذکور در ماده ۴ قانون یادشده می‌باشد. ثانیاً- چنانچه مرتکب جرائم موضوع ماده ۵۴ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ (خودداری از انجام تکالیف مربوط به حضانت و ممانعت از ملاقات طفل)، مورد تعقیب کیفری قرار گیرد، با توجه به اینکه مجازات بزه مذکور با لحاظ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، صرفاً جزای نقدی تا ده میلیون ریال می‌باشد و با انطباق این مجازات با بند «الف» ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷، باید گفت که رسیدگی به جرائم فوق‌الذکر در صلاحیت شورای حل اختلاف است.